

راز کلیسا

«من تاك هستم، شما شاخه ها»

(یوحنا ۱۵: ۵)



نامه شبانی پاتریارک های کاتولیک شرق خطاب به ایمانداران کلیسای شرق و پراکندگان

این کتاب ترجمه ای است از:
MYSTERE DE LEGLISE
4eme Lettre Pastorale
des Patriarches Catholiques d'Orient
'Noel 1996'

راز کلیسا
نامه پاتریارک های کاتولیک شرق

کلیه حقوق این اثر محفوظ و متعلق به وب سایت

<http://www.irancatholic.com>

می باشد.

طرح نامه

مقدمه	۵
فصل اول: کلیسا، جامعه فرقه گرا و سنت ها	۱۰
الف) کلیساهای ما در شرق چگونه تشکیل شده اند؟	۱۰
ب) چهارچوب فرقه گرایی چگونه شکل گرفت؟	۱۲
ج) سنت های کلیسایی ما	۱۸
فصل دوم: راز کلیسا	۲۲
الف) راز مشارکت	۲۲
ب) سه گانه مقدس، سرچشمه، الگو و غایت کلیسا	۲۴
ج) کلیسا راز مقدس مشارکت	۲۸
فصل سوم: کثرت و وحدت در زندگی کلیسا	۳۱
الف) کلیسا، راز مشارکت	۳۱
ب) کثرت و وحدت در هر یک از کلیساهای ما	۳۷
ج) کثرت و وحدت در روابط میان کلیساهای کاتولیک	۴۸
فصل چهارم: دیدگاه ها و جهت گیری های شبانی	۵۴
الف) از جامعه فرقه گرا به کلیسا- شکل دهی معنای کلیسایی	۵۵
ب) از اتحاد تا مشارکت- وسایل تقویت اتحاد	۶۰
ج) از اتحاد تا ارتباط و همکاری- معنویت اتحاد	۶۴
نتیجه	۶۹

۲- واقعیت امروز کلیساهای ما

نگرانی رسول امت‌ها در مورد تعدد و تنوع سنت‌هایمان دل‌های ما را پر می‌کند زیرا همگی میل داریم که یک قلب و یک زبان داشته باشیم تا شاهدان عیسی مسیح خداوندمان باشیم، همانگونه که به ما می‌گوید: «لیکن چون روح القدس بر شما می‌آید قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اع ۸:۱). این نامه از طرف مسئولان هفت حوزه پاتریارکی کاتولیک در مشرق زمین عربی نوشته شده: پاتریارکی اسکندریه مربوط به قبطی‌های کاتولیک، سه پاتریارکی انطاکیه مربوط به سریانی‌ها، مارونی‌ها و ملکیت‌های یونانی کاتولیک، پاتریارکی قیلقیه مربوط به ارامنه، پاتریارکی بابل مربوط به کلدانی‌ها و پاتریارکی اورشلیم مربوط به لاتینی‌ها. غالباً ایمانداران ما با هم در یک کشور بسر می‌برند و همگی در یگانه باغ خداوند کار می‌کنند. ما اشتیاق داریم که علی‌رغم تعدد و تنوع سنت‌هایمان، برای جلال خدا که همگی ما را در همان باغ فرستاده و برای تحکیم ایمان ایمانداران ما در همه حوزه‌های پاتریارکی، عملی واحد داشته باشیم و شهادتی مشترک بدهیم.

چهارمین جلسه سالانه ما در رابوه (لبنان) از ۱۹ الی ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۴ به برکت مهمان‌نوازی برادر گرامیمان پاتریارک ماگزی موس پنجم حکیم، تشکیل گردید. ما تعمق خود را بر این موضوع اساسی که راز کلیسا چیست و نیز تمایز کلیسا با جامعه فرقه‌گرا متمرکز نمودیم. بر آنچه از خدا می‌آید و آنچه از انسان‌ها به دست ما می‌رسد، بر سنت‌های خشک، سنت‌هایی که می‌بایست سرچشمه احیا و زندگی باشند و سنت‌هایی که ما را قادر می‌سازند تا با سختی‌های روزانه زندگی‌مان، چه شخصی و چه عمومی مبارزه کنیم، تفکر نمودیم.

۳- رجوع به نامه‌های شبانی قبلی

در سه نامه قبلی^۱، به همراه شما بر ریشه، معنا و مأموریت کلیساهایمان در

۱- ۲۴ اوت ۱۹۹۱، عید گذر ۱۹۹۲ و عید میلاد ۱۹۹۴.

مقدمه

حضور اسقفان، کشیشان، شماسان، راهبان، راهبه‌ها و تمامی ایماندارانی که کلیسای خدا را در سرتاسر سرزمین‌های شرق و پراکندگان تشکیل می‌دهید، «فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد» (۱-قرن:۱:۳).

۱- هم و غم‌های شبانی و سؤالات

این نامه شبانی مشترک را با درود آغازین نامه پولس رسول به قرن‌تیان شروع کردیم تا از همان ابتدا شما را در دل نگرانی رسول امت‌ها سهیم سازیم، نگرانی که در این آیات بیان می‌شود: «لیکن ای برادران از شما استدعا دارم به نام خداوند ما عیسی مسیح که همه یک سخن گویند و شقاق در میان شما نباشد بلکه در یک فکر و یک رای کامل شوید» (۱-قرن:۱:۱۰)، سپس می‌گوید: «زیرا عزیمت نکردم که چیزی در میان شما دانسته باشم جز عیسی مسیح و او را مصلوب» (۱-قرن:۲:۲). این است آن نگرانی که در قلب ما وجود دارد و ما را هشیار می‌سازد تا از واقعیت کلیسایمان آگاه شویم. آیا به این موضوع واقفیم که ما کلیسا هستیم و اساس کلیسا عیسی مسیح مصلوب است؟ یا می‌پنداریم جوامع فرقه‌گرایی هستیم که در پی دستاوردهای انسانی می‌گردیم؟ آیا آگاهی داریم که کلیسا هستیم؟ آیا حقیقتاً ماهیت کلیسایی خود را که به آن فراخوانده شده‌ایم تا هر چه بیشتر وفادار بمانیم، زندگی می‌کنیم؟ این سئوال پولس رسول را ما نیز می‌توانیم از خود بپرسیم: «چگونه باید در خانه خدا رفتار کنی که خانه خدای حی... است؟» (۱- تیمو:۳:۱۵). چگونه می‌توانیم شاخه‌های زنده تاک باشیم و میوه‌های فراوان برای جلال خدای پدر به بار آوریم؟ (ر.ک یو ۱۵:۱-۵).

تازگیها و نوآوری های زندگی روزمره در چارچوب جوامع ماست. ما می خواهیم بین سنت ها و مقتضیات زندگی امروزه ما و امیدمان به آینده اثری متقابل وجود داشته باشد.

«جامعه فرقه گرا» در تاریخ طولانی ما همانند کلیساها نقش مثبتی ایفا کرده است، در حقیقت این جامعه، سنت کلیسایی، فرهنگ پایه بشری و قومی را در هر یک از کلیساهای ما حفظ نموده است. اما ضعف های زیادی در آن وارد شده و این موضوع به خاطر ایمانی سطحی و خرافی در بعضی مواقع بود یا به خاطر عوامل اجتماعی که گاهی معنی حقیقی کلیسا را خفه نموده اند. این امر موجب ایجاد فرقه گرایی گردید که خود علت تغییر شکل زندگی کلیسایی ما شد. اولین تغییر کشیدن حصار دور خود و ناتوانی در روابط مان با افرادی بود که به دین یا مذهب دیگری تعلق داشتند.

می خواهیم این سؤال را در این نامه مطرح سازیم که چگونه می توانیم خود را از این فرقه گرایی منفی رها ساخته، سنت هایمان را تثبیت نموده و از آنها سرچشمه حیات بسازیم؟ جواب این سؤال در توضیح دقیق معنای کلیسا، در برقراری ارتباطی دائمی میان سنت و زندگی امروزه و در توانایی این سنت در سودمندی برای ساختن زندگی معاصر، در درک احتیاجات آن و دادن جواب های ضروری به آن، نهفته است.

در این نامه تلاش می کنیم به برداشت روشنی برسیم که عیسی مسیح هنگام تاسیس کلیسا، از آن چه می خواسته و ما زمانی که به این کلیسا ایمان آوردیم از آن چه خواسته ایم. ما می خواهیم ببینیم چه چیزی می بایست در موقعیت و رفتارهایمان تجدید گردد. همچنین می خواهیم ارتباط میان کلیسایی را که عیسی مسیح برای همه زمانها و همه مکانها خواسته با چهارچوب انسانی که در مشرق زمین تحت عنوان «جامعه فرقه گرا» شناخته شده و این کلیسا در آن مجسم می گردد، تصریح کنیم. می گوئیم که ما قبل از هرچیز کلیسا هستیم و کلیسا در واقعیت بشری مجسم می گردد تا آن را تطهیر کند و به مقام ارفع برساند و آن را سرچشمه عمل و آزادی قرار دهد. بالاخره این تعمق بر راز کلیسا راهنمای ما

مشرق زمین تفکر نمودیم. با هم تلاش کردیم تا راه های جدیدی برای تجدید دعوت و شهادتمان در جوامع در حال تغییر و تحول خود بیابیم. ملاحظه نمودیم که دعوت اصلی ما در کشورهاییمان یعنی دعوت کلیساهای ما، شهادت مشترک دادن به عیسی مسیح خداوند است. اما بایستی اعتراف کنیم که تجربه نشان می دهد بر سر راه این دعوت اصلی کلیساهای ما موانعی قرار گرفته اند که از سوی ما، شبانان و ایمانداران، در رفتارهای اجتماعی مان سرچشمه می گیرند. در قانون ایمان اعتراف می کنیم که کلیسا «واحد، مقدس، جامع و رسولی» است اما در حقیقت مانند جوامع فرقه گرا رفتار می کنیم و هر کس به دنبال منافع شخصی خود است. به همین دلیل ضروری و مهم دانستیم که با شما درباره راز کلیسا تعمق کنیم تا روحیه مشارکت را در بین کلیساهایمان در زمینه های رسالتی افزایش دهیم و نیز «الگوی کلیسایی» را تحقق بخشیم که شهادت و ماموریت کلیساهای ما را واضح تر و موثرتر خواهد ساخت.

۴- هدف و تقسیم بندی نامه

در این نامه شبانی می خواهیم معنای کلیسا را عمیق تر سازیم همانطور که عیسی مسیح خواسته، همان طور که رسولان بعد از وی آن را درک و زندگی نمودند و نتیجتاً ما نیز بایستی آن را درک نموده و امروزه تجربه کنیم.

به هنگام صحبت درباره معنای کلیسا بایستی درباره معنای جامعه فرقه گرا (طایفه ای) نیز صحبت به عمل آید. در حقیقت جامعه فرقه گرا، چهارچوبی تاریخی، سیاسی و بشری را تشکیل می دهد که کلیسای ما در آن زندگی کرده و سنت های کلیسایی خاص مان در آن رشد یافته اند. این سنت ها، گنجینه های روحانی و نیروهای زنده و زندگی بخشی هستند که از ایمان پدرانمان متولد شده و همیشه قادرند ایمان امروزی ما را حیات مجدد بخشند، به همین دلیل حیات کلیسای ما که توسط این سنت ها حمایت شده بایستی زندگی روزانه ما را در همه زمینه ها تغذیه نماید.

هدف این نامه تأیید ضرورت حفظ ارتباطی دائم میان سنت های قدیمی و

برای مقابله با مبارزات فعلی و تشریک زندگی معاصر ما و به جهت همگی برادران و خواهرانمان خواهد بود.

این نامه شبانی مشتمل بر چهار فصل است. در فصل اول تلاش خواهیم نمود میان کلیسا و طایفه یا جامعه فرقه‌گرا تمایز قائل شویم. بر غنای سنت‌های مخصوص هر یک از کلیساهایمان تاکید خواهیم نمود. همچنین نشان خواهیم داد هر چند بعضی موقعیت‌های فرقه‌گرا ادعا می‌کنند سنت‌ها و میراث پدرانمان را حفظ کرده‌اند ولی در حقیقت ما را از معنای واقعی کلیسا دور نموده‌اند.

در فصل دوم خواهیم گفت که راز کلیسا چیست و مشارکت پدر و پسر و روح القدس، سرچشمه، الگو و غایت کلیسایی است که راز مشارکت زندگی شده و در عین حال نشانه و وسیله نجات برای همه است.

در فصل سوم از کثرت و وحدت در کلیسا با توجه به معنای مشارکت صحبت خواهیم نمود تا نشان دهیم کثرت و وحدت با هم متضاد نیستند و می‌توان با وجود کثرت و تنوع سنت‌ها و کلیساها در مشارکت زندگی نمود.

در فصل چهارم دیدگاهها و جهت‌گیری‌های شبانی را پیشنهاد خواهیم نمود که در راز مشارکت ریشه داشته و نشان می‌دهند که ایمانداران چگونه می‌توانند عضو زنده‌ای در کلیسایی زنده باشند در عین این که می‌توانند سنت‌های خویش را نگه داشته و با آنها زندگی کنند و به آنها وفادار بمانند، نیز می‌توانند خود را از قید فرقه‌گرایی و هر عامل منفی و مخرب برای کلیسا و ایمان رها سازند

فصل اول

کلیسا، جامعه فرقه‌گرا و سنت‌ها

الف) کلیساهای ما در شرق چگونه تشکیل شده‌اند؟

۵- کلیسا در اورشلیم متولد شد

در مشرق زمین ما بود که خدای پدر، پسر یگانه خویش را فرستاد تا انسان گردد و نجات انسان‌ها را توسط مرگ و رستاخیزش تحقق بخشد. اینجا بود که کلیسا را بر پا نمود تا خمیرمایه و وسیله نجات گردد. کلیسای اولیه در اورشلیم و توسط روح القدس در روز پنطیکاست بدین صورت شکل گرفت زمانی که جمعیت به گرد رسولان جمع شده بودند از زبان پطرس اعلام عیسی نجات دهنده را شنیدند و به وی ایمان آوردند: «چون شنیدند دل ریش گشته به پطرس و سایر رسولان گفتند: ای برادران چه کنیم؟ پطرس به ایشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطایای روح القدس را خواهید یافت... در همان روز تخمیناً سه هزار نفر بدیشان پیوستند».^۲

۶- در انطاکیه و در تمامی مشرق زمین

پس از آنکه رسولان در دنیا پخش شدند و انجیل نجاتی را اعلام کردند که توسط مسیح آورده شده بود، همه کلیساها همانند کلیسای اورشلیم شکل گرفتند. کلیسای انطاکیه اولین کلیسایی بود که بعد از کلیسای اورشلیم شکل گرفت (ر.ک. اع ۱۱: ۱۹-۲۶). «شاگردان نخست در انطاکیه به مسیح مسمی شدند» (اع ۱۱: ۲۶). در انطاکیه بود که کلیسا «دختر ملت‌ها» گردید و از آنجا بود که با

۲- اع ۲: ۳۷-۳۸، ۴۱-۴۲؛ ر.ک. ۲: ۱۴-۴۷.

رها شدن از قانون قدیم یهود در تمامی سرزمین‌های دنیا پراکنده گردید و تمامی اقوام را مورد خطاب قرار داد و آنها را به سوی مسیح جلب نمود.

بدین سان کلیسا در مشرق زمین، در مصر، آسیای صغیر، قیلیقیه، ارمنستان و بین‌النهرین گسترش یافت. کلیسا طی سه سده اول و علی‌رغم شکنجه و آزاری که متحمل می‌شد در اغلب شهرها و روستاها تاسیس گردید. کلیسا خود را با گوناگونی فرهنگ‌های فراوان منطبق ساخت و از طریق آنها خود را بیان کرد. بدین گونه کلیساهای محلی به معنای واقعی کلمه به وجود آمدند. موقعیت‌های سیاسی همیشه موافق تبادل افکار و عقاید میان کلیساها نبودند. با این حال، بعضی‌ها در مواجهه با خطر انحرافات عقیدتی موفق شدند با کلیساهای دیگر و با کلیساهای دنیا از طریق شوراها، اسقفی ارتباط برقرار کنند، در این شوراها بود که مسائل و مشکلات داخلی خود را مطرح می‌ساختند. زمانی که خطر انحرافات پیش می‌آمد یا مناقشاتی بین کلیساها صورت می‌گرفت دو مرجع اصلی برای اغلب کلیساها، کلیسای انطاکیه و اسکندریه بودند که این دو کلیسا در آن زمان، مراکز اصلی در مشرق زمین بودند. زمانی که مشکلات غیر قابل حل می‌شدند رم آخرین مرجع یاوری بود همان‌طور که این مسئله در مورد شورای کالسدون و در دیگر شوراها اتفاق افتاد. کلیساها در مشرق زمین این گونه زندگی کردند یعنی هم به صورت کلیساهای محلی و هم به صورت کلیسای جهانی.

* * *

ب) چهارچوب فرقه‌گرایی چگونه شکل گرفت

۷- کلیساهای شرق و تنوع فرهنگ‌ها

در زمان‌های قدیم، شرق محل جنگ‌ها و فتوحات میان اقوام منطقه و قدرت‌هایی بود که از خارج می‌آمدند. عجیب آن است که تصرفات گوناگون نتوانستند فرهنگ‌های باستانی این منطقه را از بین ببرند. این فرهنگ‌ها هر چند به صورت اقلیت‌های مغلوب و ستم دیده حفظ شدند و با گذشت زمان به اقلیت‌های قومی در بطن امپراتوری‌های بزرگ که یکی پس از دیگری می‌آمدند، تبدیل‌گشتند. نگرانی این اقلیت‌ها حفظ هویتشان در مقابل تهاجمات و خشونت‌هایی بود که بر آنها وارد می‌شد. مبارزه برای ادامه حیات به صورت اولین محرکی در آمد که در تمامی سطوح رفتار و کردارشان را تعیین می‌نمود.

آخرین فتوحات قبل از دوران اعراب، که تا امروز در کشورها و به ویژه در کلیساها تأثیراتی از خود به جای گذاشته‌اند، فتوحات یونانیان و رومیان بود. بعضی از مردم منطقه فرهنگ فاتحین جدید را پذیرفته دارای حق شهروندی گشتند. اما قسمت اعظم آنان به زبان و فرهنگ خاص خود وابسته ماندند مثل قبطی در مصر، آرامی در سوریه، آرامی شرقی باستان در بین‌النهرین و ایران و ارمنی در ارمنستان و سپس در قیلیقیه.

کلیسا برای این مشرق‌زمین با فرهنگ‌های متنوع، پیام نجات را برد. کلیسا این کار را نه با ارتش و نه با قدرت فرهنگی نوین بلکه خیلی ساده با پیام نجات همگانی برای همه، انجام داد. تنها دل مشغولی‌اش این بود که بتواند نجات را از طریق زبان‌ها و فرهنگ‌های موجود اعلام کند. کلیسا، که از رسالتش، آگاهی داشت با سرعتی تعجب‌آور خود را منطبق ساخت و خیلی زود عنصری اساسی در فرهنگ‌های مختلف گردید.

۹- فتوحات اعراب و مسلمانان

اسلام نخواست در امور مذهبی مسیحیان مداخله کند و به جوامع مسیحی موقعیت خاصی داد که به «ذمه» یا «تحت الحمايه» معروف است و آنها را تحت سرپرستی روسای مذهبی خودشان قرار داد. اسلام با این گونه اطمینان یافتن از ادامه حیات کلیساها در میان جامعه خود و شناسایی حق خود مختاریشان، کلیساها را به نوعی فرقه‌گرایی هدایت کرد که برای همیشه تعیین کننده ساختارهای درونی مذهبی و مدنی آنها گردید. این خود مختاری باعث ایجاد دو مشخصه اصلی در جوامع مسیحی شد. اول نگرانی به جهت ادامه حیات و دفاع از منافع خود در مقابل اسلام و همین طور در مقابل سایر کلیساها و دوم این که رهبر مذهبی، مسئول جامعه در همه زمینه‌ها گردید و این مسئولیت علاوه بر امور مذهبی مسئولیتهای مدنی را که برای ادامه حیات لازم بود بر دوش وی قرار می‌داد. بدین ترتیب این چهارچوب فرقه‌گرایی به جایگاهی طبیعی برای هر نوع رشد و ترقی تبدیل شد. به همین خاطر بود که تفکر فرقه‌گرایی، جامعه‌ای که تنها نگرانی آن دفاع از حقوق خود است، به تدریج جایگزین تفکر کلیسا گردید، کلیسا که بدن مسیح و جامعه ایمانداران متحد میان خود و با دیگر کلیساها توسط همان روح القدس می‌باشد.

۱۰- امپراتوری عثمانی

امپراتوری عثمانی (۱۵۱۶-۱۹۱۸) به چنین وضعیتی به طور قطع جنبه‌ای قانونی و رسمی بخشید و آن را با اساسنامه‌ای تکمیل نمود که به نام «ملت» یا «جامعه مذهبی» شناخته شده است. به سران مذهبی اختیارات مدنی زیادی نسبت به جماعت خود قائل شد و آنها را نمایندگان رسمی در هر گونه رابطه با حکومت قرار داد. این وضعیت جدید گام قطعی دیگری در تشکیل جامعه قومی و تبدیل کلیسا به مجموعه‌ای اجتماعی و سیاسی گردید. هنوز هم هستند کسانی که با این نوع طرز تفکر زندگی می‌کنند. در اینجا لازم به ذکر است که مداخلات

۸- قرن‌های اولیه

کلیسا در سه قرن اول به عنوان کلیسای محلی در فرهنگ‌های متنوع و موجود در سرزمین‌هایمان متولد شد. این کلیسای اولیه که توسط خون شهیدان آبیاری شده بود، توانست در مقابل تفرقه‌ها و انحصار طلبی‌های گوناگون ایستادگی کند. به برکت خون شهیدان و علی‌رغم شکنجه و آزار، کلیسا به زیستن در راز مسیح چه در زندگی زاهدانه در صحرا و چه در میان جامعه‌ای که در آن شکنجه و آزار می‌دید، ادامه داد و بدین گونه ایمان و وحدت کلیسایی‌اش را تحکیم بخشید.

در قرن چهارم، بعد از گرویدن امپراتور کنستانتین، مسیحیت دین رسمی امپراتوری روم شد. کنستانتین شروع به حمایت از کلیسا نمود اما از سوی دیگر قوه اجرایی دولت شروع به اعمال عقاید و رفتارهای خود در کلیسا و انقیاد آن به خواسته‌های سیاسی خود نمود. در کلیسا، که حیات و پویایی‌اش از روح القدس سرچشمه می‌گرفت برداشتهای اداری و بشری نفوذ کردند و جنبه اجتماعی جدیدی برای کلیسا به وجود آمد. همچنین سنت‌های کلیسایی به تدریج به نهادهای انسانی تبدیل شدند. این نهادها به جای آنکه به تقویت سنت‌هایی پردازند که توسط روح حیات بخش عیسی زنده هستند، ایمان را خفه نمودند.

همین طور در این دوران، تفرقه‌ها و مناقشات بزرگی در اصول عقیدتی مربوط به شخص عیسی مسیح، کلمه جاودانی خدا، شروع شد. این تفرقه‌ها عواقبی را به بار داشتند که تا به امروز آثار آنها باقی است. قدرت سیاسی، خود را در مسائل مذهبی دخالت می‌داد و شروع به حمایت از مذهبی علیه مذهب دیگر نمود. از سوی دیگر چون هر قدرت سیاسی، هویت فرهنگی و ملی خاص خودش را داشت طبیعتاً با فرهنگ‌های دیگر مخالفت می‌کرد. بدین طریق اولین جلوه «فرقه‌گرایی» پدید آمد که مفهوم کلیسا را به تدریج تا حد دیدگاه فرقه‌گرایانه تقلیل داد و تنها اشتغال خاطر آن حفظ سنت‌ها و اصول عقیدتی خاص خود و مخالفت با قدرت سیاسی حاکم بود.

۱۱- جامعه فرقه گرا و فرقه گرایی

موقعیتهای تاریخی و فرهنگی که به ایجاد و رشد کلیساهای ما در تنوع و ویژگی خاص آنها در شرق انجامید به طور خلاصه بیان شد. این موقعیت های سخت و ناگوار، به همراه گناهان ما، کلیساهای ما را به جدایی و دور خود حصار کشیدن سوق داد. بدین طریق کلیساهای ما به خاطر جدایی ها و اضافاتی که آثار مسیح را از چهره شان زدوده بود به جامعه های فرقه گرا (طوائفی) تبدیل شدند. شعله روح القدس را در خود خاموش نموده به تدریج از یاد بردند که نه برای خود بلکه برای خدا زندگی کنند تا مژده نجات را به همان جامعه انسانی که از آن انتخاب شده اند و به سوی آن فرستاده شده اند برسانند.

تمامی این عوامل باعث ایجاد فرقه گرایی گردید که همانا تغییر شکل خطرناک دین و آشکارا متناقض مفهوم راز کلیسا است. در واقع اولین هدف فرقه گرایی، بیشتر از تعمیق ایمان خود، تلاش برای بقای خود، دفاع از خویش و از حقوق و امتیازاتی است که کسب نموده و به انجام دادن امور بشری بیش از امور ایمانی دلبستگی دارد؛ همچنین به جلوه های ملموس دینی بیش از اهتمام به روح می پردازد و با سنتها زندانی می سازد که ایمانداران را به گذشته ای دور و بیگانه با زندگی امروز می بندد بدون آنکه تکاملی در آن باشد تا آن را نیرویی برای حضور و احیای دائمی گردانند. بدین ترتیب کلیساهای ما به گروه بندی هایی تبدیل شدند که مهم ترین کوشش آنان در راستای بقا و چشم اندازی کاملاً بشری متمرکز شد. در نتیجه نکته منفی دیگری در تناقض با یکی از مشخصات راز کلیسا که همانا گشادگی و محبت کردن است به وجود آمد. در واقع فرقه گرایی باعث دور خود حصار کشیدن در مقابل دیگران خواه هم وطن و خواه هم ایمان می شود، دیگرانی که علی رغم آن که هم ایمان، هم وطن، هم شهری و برادران انسانی ما هستند به افرادی غریبه، رقیب و حریف تبدیل می گردند.

بنابراین اندیشه فرقه گرا، کلیسایی را که مدعی آن است و نیز مفهوم درست سنت های آن را خوب نمی شناسد. این طرز تفکر، کلیسا را خوب درک نمی کند چون آن را فقط یک گروه نژادی و دینی در میان سایر گروه های دیگر می داند و

بیگانگان نیز در تحکیم و بهره برداری از فرقه گرایی سهم بسزایی داشتند.

در حال حاضر اکثر دولتهای عرب، در قانون اساسی خود حق تساوی بین شهروندان را به رسمیت می شناسند. حکومتها تمامی مسئولیت شان را نسبت به شهروندان، خواه مسلمان، خواه مسیحی بر عهده گرفته اند و بدین ترتیب بار سنگینی که توسط اساسنامه های «ذمه» یا «ملت» بر عهده سران مذهبی مسیحی گذاشته شده بود از دوش آنها برداشته شد. با این هم طرز تفکر فرقه گرایی همچنان در کلیساهای مشرق زمین السویت و رجحیت خود را حفظ کرده است. در حقیقت هیچ کدام از دولتهای فعلی عرب، علی رغم متن قانون اساسی کشور، موفق به حل مسئله تعدد ادیان و مذاهب در کشور خود نشده است. همه رژیمهای عرب زمانی که موضوع اجرای اصل تساوی بین همه شهروندان^۳ پیش می آید دچار تردید و ناتوانی می شوند. به همین سبب غالباً در میان ایمانداران این احساس وجود دارد که کلیسا، جامعه فرقه گرا، چهارچوبی است که می بایست ایمانداران را تنها در زندگی مذهبی بکشد در زندگی مدنی و اجتماعی حمایت کند.

۳- در حالی که هنوز در بعضی از کشورهای ما رژیم های فرقه گرا حکومت می کنند نمی توان به موضوع فرقه گرایی پایان داد مگر آنکه قبلاً تعلیمی نوین مبتنی بر این اصول یاد داد که در آن همه انسان ها، علی رغم هر نوع اختلاف دینی و ریشه ای به چشم برادر نگریسته شوند. هدف این تعلیم این خواهد بود که ذهنیت فرقه گرایی را از اندیشه ها بزدايد قبل از آنکه فرقه گرایی در قوانین دولتی ملغی اعلام گردد. این کار مستلزم آن است که هر حکومت به طور یکسان به همه شهروندان توجه کند به نحوی که تقسیم مشاغل بر حسب صلاحیت ها انجام گیرد و نه بر حسب اعتقاد به فرقه ای خاص. در زمینه دنیوی، شهروندان می بایست مستقیماً به حکومت مراجعه کنند بدون اینکه به جامعه فرقه گرای خود متکی باشند. در زمینه معنوی، فرد مسیحی بایستی به کلیسا و مسلمان به مسجد مراجعه کند بدون اینکه امور دنیوی و معنوی را قاطی نمود، زیرا تداخل برای هر دوی آنها مضر است.

اگر، بر عکس، در بعضی جوامع جدایی میان آن دو غیر ممکن است، این سؤال باز باقی می ماند: چگونه می توان خود را از فرقه گرایی رها نمود؟ این خطر وجود دارد که این سؤال برای همیشه بدون پاسخ بماند.

ج) سنت‌های کلیسایی ما

۱۲- میراث نوین

ما در ابتدا از طریق تولد اول و طبیعی مان، مجموعه‌ای از ساختارها را به ارث برده‌ایم که در شکل‌گیری طبیعت ما خواه فردی و خواه اجتماعی سهم به سزایی داشته‌اند: سرزمین مادری، هر چند افراد بسیاری از مدت‌ها پیش آن را ترک کرده‌اند، زبان، آن هم زبان مادری، تاریخ، میهن، آداب و رسوم خانوادگی، تربیتی، شغلی و مدنی، فرهنگ و مجموعه‌ای از ارزش‌ها را هم زمان و به تناسب به ارث برده‌ایم که چون با دیگر گروه‌های اجتماعی که با آنها زندگی می‌کردیم مشترک بوده، ناخودآگاه به صورت قوانین حاکم بر نگرش ما به امور، رفتارهای فردی، روابطمان با دیگران و همچنین با خدا جا افتاده‌اند.

از راه تولد ثانی، یعنی تعمید، مسیح را پوشیده و با روح القدس مسح شده‌ایم (ر.ک یو:۵:۳). در کلیسای مادر و توسط او این حیات نوین را به عنوان هم ارث با پسر یگانه به میراث برده‌ایم (ر.ک روم:۸:۱۷).

دو جنبه از این میراث نوین برای ما قابل توجه هستند. از یک سو تعمید نه طبیعتی انسانی می‌دهد و نه فرهنگی که از پایه با فرهنگ‌های تعمید نشدگان متفاوت باشد. کلیسای محلی ما از همان سرشت انسان‌هایی است که به سوی آنها فرستاده شده است: کلیسا باعث ایجاد جامعه مسیحی در کنار جامعه غیر مسیحی نمی‌گردد. تازگی کلیسا در این است که خمیرمایه ملکوت خدا در خمیر اجتماعی و فرهنگی محلی است که در آن زندگی می‌کند. زیرا پسر محبوب همه چیز انسان را بر عهده گرفت تا وی را نجات دهد. هیچ چیز نجات نمی‌یابد مگر آنچه پسر بر عهده گرفت. این موضوع برای هر فرد و هر فرهنگی صادق است. مسیح، خدا و نجات‌دهنده‌ی ما، آنچه را آفریده از بین نمی‌برد بلکه ما را از مرگ و گناه می‌رهاند، ما را تطهیر می‌کند و تصویرش را در ما احیا می‌کند، به شرط آنکه ما موافق باشیم حتی تا اعماق ذهنمان جایی که الهه میراث فرهنگی ما نهفته است، هر آنچه نیکو است و هر آنچه بایست تطهیر یا تغییر یابد.

نیز همانطور که قبلاً گفتیم دور خود حصار می‌کشد، در حالی که کلیسای مسیح بر روی تمام افراد، اقوام و ملت‌ها باز است. به علاوه سنت‌های کلیسایی را خوب نمی‌شناسد زیرا غالباً از آنها ناگاه است یا آنها را به حقایق فرهنگی و اجتماعی محدود می‌کند درست همان‌گونه که اکثر وسایل ارتباط جمعی دولتی و گاهی اوقات حتی رسانه‌های مذهبی در گزارش‌های خود انجام می‌دهند. اینان فرقه‌گرایی را برجسته می‌سازند و رسالت اصلی کلیسا را نادیده می‌گیرند.

* * *

و در کلیسای محلی و به خاطر ساکنان محلی آن است که فرستاده شده ایم. سنت های کلیسایی ما در بدن و تاریخ هر یک از کلیساهای ما شکل می گیرند که همانا یگانه راز سنت ایمانی است که از رسولان دریافت نموده ایم: این سنت ها شکل های خاص خودشان را دارند که با هر فرهنگ خود را تطبیق داده و تحت لوای آنها راز نجات انسان ها آشکار شده، فعلیت یافته و به دیگران رسانده می شود. پس معجزه روح القدس در تاریخ انسان ها و فرهنگ ها، تجسم کلام حیات، اعلام آن در پیکره فرهنگ ها، فعلیت بخشیدن کار نجات و در مشارکت قرار دادن همه با پدر در بدن مسیح است. این معجزه بایستی در هر یک از کلیساهای ما ضمن محترم شمرده شدن هویت انسانیش تحقق یابد.

۱۵- کلیسا بر نیروی روح القدس تکیه می کند

برای هر یک از ما، کلیساهایمان، حقیقتاً مادر ما هستند. از طریق تولد اول فرزند پدر و مادرمان گشته ایم، تولد نوین ما برای حیات از پدر آسمانی و توسط کلیسا به ما داده شده است. حضرت مریم هنگام اعلام مژده، پسر خدا را به قدرت روح القدس در رحم خود باردار شد. به همان طریق و از زمان پنطیکاست به بعد کلیسا توسط قدرت روح القدس بدن مسیح را تشکیل داده است. برای حضرت مریم و همین طور برای کلیسا، راز مادر بودن در عین بکارت، یکسان است چرا که بر قدرت انسانها تکیه نمی کند بلکه بر قدرت روح القدس. پس ذهنیت فرقه گرا این موضوع را خوب نمی فهمد چرا که بر قدرت های دنیوی تکیه دارد. کلیسای ما زمانی مثل کلیسا عمل می کند که همانند مریم باکره و مقدس «مردی را نشناخته باشد» (ر.ک لو: ۳۴) و در انتظار باروری به قدرت روح القدس باشد. روح القدس، صانع کارهای خدا و همچنین سرچشمه سنت مقدس و زنده است.

در کلیساست که روح القدس ما را در حیات پدر در پسر محبوب متولد می گرداند. در کلیساست که روح القدس ما را با کلام خدا توسط عطیه ایمان تغذیه می کند و توسط راز قربانی مقدس ما را در گذر مسیح یعنی مرگ و

از سوی دیگر، کلیسای محلی که ما در آن متولد می شویم و در مسیح رشد می کنیم، طی تاریخ طولانی اش توانسته خمیر مایه در خمیر گردد. تازگی آن در این است که ثمرات روح را در زمینی که کاشته شده در بعد اجتماعی و فرهنگی به بار آورد. در همین زمینه، ما امروز وارث کتب مقدس به زبان خودمان، برگزاری آیین مقدس، انتقال ایمان رسولی بر طبق فرهنگ خودمان، سازمان دهی قانونی جامعه کلیسایی، همین طور تعمیق ایمان به خاطر مناقشات و مباحثات با مرتدین هستیم. از طریق این اصطلاحات متفاوت بود که کثرت سنت های کلیسایی در مشرق زمین گسترش یافت، این کثرت نه تنها قانونی و مشروع، بلکه لازم هم بود.

۱۳- سنت های ما الهی- انسانی هستند

سنت های ما الهی- انسانی هستند. این سنت ها ثمره فیض و تلاش پدران ایمانی ما هستند. در ابتدا بایستی گفت از آنجا که این سنتها انسانی هستند و سوسه های زیادی ما را تهدید می کنند. خطرناک ترین آنها «روحیه دنیوی» است. پدران و مادران ایمانی ما، به ویژه شهیدان و نویسندگان روحانی که خادمین سنت مقدس رسولی گشتند، شاهدان زنده ای از وفاداری کلیسا نسبت به خداوندش در مقابله با سوسه های روحیه دنیوی می باشند. «روحیه دنیوی» به معنای همین فرقه گرایی است و رعایت نکته به نکته آیین هایمان که به زیبایی های آنها فخر می فروشیم در حالی که قلبمان از او که می پرستیم دور است (ر.ک مر: ۷:۷)؛ «زیرا حکم خدا را ترک کرده، تقلید (سنت های) انسان را نگاه می دارند» (مر: ۷:۸)، همچون بعضی از رسوم تعمید، ازدواج، به خاک سپاری، که شاید قابل احترام باشند ولی ممکن است معنای واقعی راز برگزار شده را مبهم سازند.

۱۴- سنت های ما تجسم انجیل در فرهنگ انسانی هستند

در کلیساهای محلی است که مسیح ما را دعوت می کند تا عضو بدنش گردیم

راز کلیسا

الف) راز مشارکت

۱۷- کلیسا راز است

پس از بررسی پیدایش کلیساها و سنت‌هایمان و روحیه فرقه‌گرایی که در آنها داخل شد، اینک شما را ای برادران و خواهران و فرزندان فحجوب دعوت می‌کنیم تا با هم بر راز کلیسا عمق نماییم. معای این اصطلاح که «ما اعضای زنده‌ای در کلیسای زنده هستیم» بر حسب روح شورای واتیکان دوم چیست؟

سی سال بعد از شورای اسقفان واتیکان دوم که هدفش احیای کلیسای کاتولیک با وفاداری به نقشه خدا برای دنیا بود ممکن است نسل جوان باز از معنای آن آگاه نباشد و بزرگترها نیز همه آن روح را در زندگی کلیساهایمان دریافت ننموده باشند. پس جالب توجه است که اولین فصل نظامنامه اصلی مربوط به کلیسا (نور ملل) با این عنوان آغاز می‌شود: «راز کلیسا». جنبه‌های عینی و حقوقی آن در فصول بعدی فراموش نشده‌اند و نه حتی در اسنادی که بعدها منتشر شدند. این‌ها نسبت به رازی که می‌بایست منعکس کنند از التزام و ارتباط برخوردار هستند. آنچه الهی است در درجه اول قرار دارد و در آنچه دیدنی است اعلام می‌شود. کلیسا خوانده شده تا مفهومی همچون رازهای مقدس داشته باشد. ماهیت کلیسای رازی در زندگی انسان‌هاست.

به همین سبب است که صحبت‌مان را با این شروع کردیم که بگوییم: کلیسای راز است یعنی نقشه حیرت‌انگیز خدا، «سری که از زمان‌های ازلی مخفی بود» (روم ۱۶: ۲۴) و پدر آن را بر ما شناساند «چون زمان به کمال رسید» (غلا ۴: ۴)، در «آن حبیب» (افس ۱: ۶) که در او خواست «همه چیز را... در مسیح جمع کند» (افس ۱: ۱۰). همه اینها بدین معنی است که کلیسای راز خدا می‌آید و جامعه‌ای انسانی است که به فیض خدا تشکیل یافته

رستاخیزش سهیم می‌سازد، در کلیساست که روح القدس ما را می‌بخشد و ما را با پدر آسمانی و برادرانمان آشتی می‌دهد و دعا کردن حقیقی را به ما می‌آموزد و یاد می‌دهد که هموعان خویش را محبت و خدمت نماییم، همان‌گونه که مسیح آنها را محبت و خدمت می‌نماید؛ در کلیساست که روح القدس ما را به جهان می‌فرستد تا نشانه‌ها و خادمین مشارکت خدا با انسان‌ها و همه انسان‌ها در خدا باشیم.

۱۶- سنت ما، راه ما برای شناختن عیسی مسیح است

در این مورد مطمئن باشیم: از طریق تجربه حاصل شده از سنت‌های کلیسایی ماست که به «ادراک سر مسیح... که به وسیله کلیسا معلوم می‌شود» (افس ۳: ۴-۱۰) دسترسی داریم. پدران ایمانی ما، به ویژه در مشرق زمین، اعلام انجیل را به تعلیم مدرسه‌ای حقایق مذهبی تقلیل نمی‌دهند بلکه در تعلیمات آنان هرگز شنیدن کلام خدا را از برگزاری آیین رازهای مقدس یعنی سنتی که برای آنها سرچشمه حیات روزمره بوده، جدا نمی‌ساختند. بدین سان سنت به تجربه زندگی انجیلی در جامعه و فضایی مملو از دعای قلبی تبدیل می‌شد. بدین گونه «انسان نوین» در کلیسایی که در زمان و مکان خاصی تجسم یافته شکل می‌گیرد

ب) سه گانه مقدس، سرچشمه، الگو و غایت کلیسا

۱۹- مشارکت ایمانداران را در قومی واحد جمع می کند

ایمانداران «قومی واحد» را تشکیل می دهند. این اصطلاح را چگونه درک می کنیم؟ بعضی آن را در معنای نژادی یا سیاسی می فهمند، اما در کتب مقدس معنایی کاملاً نوین دارد: «قوم خدا»، «جماعتی» است که از سوی خدا فراخوانده شده، بنابراین علت وجودی آن خداست؛ بدون او نمی تواند وجود داشته باشد و هدفش مقدس زندگی کردن است همانطور که او قدوس است «تا جلال او ستوده شود» (افس: ۱: ۱۴). تمامی فصل دوم نور ملل، راز کلیسا را به عنوان «قوم خدا» بر ما آشکار می کند:

سر این قوم مسیحیایی مسیح است «که به سبب گناهان ما تسلیم گردید و به سبب عادل شدن ما برخیزانیده شد» (روم: ۴: ۲۵)، و اکنون با گرفتن نامی مافوق همه نامها، پر جلال در آسمان سلطنت می نماید. این قوم در حالت شایستگی و آزادی خاص فرزندان خدا به سر می برد که مرکز آن معبد روح القدس است. برای وی فرمانی نوین دارد، فرمان محبت نمودن همان گونه که مسیح ما را محبت نمود (ر. ک یو: ۱۳: ۳۴). بالاخره غایت آن در ملکوت خداست، ملکوتی که خود خدا بر زمین برپا کرده تا به نسل های بعدی گسترش یابد به این امید که کمال نهایی را در پایان زمان ها، زمانی که مسیح ظاهر شود از او بیاید که حیات ماست (ر. ک کول: ۳: ۴) و «خود خلقت نیز از فساد خلاصی خواهد یافت تا در آزادی جلال فرزندان خدا شریک شود» (روم: ۸: ۲۱).^۵

۲۰- درباره الگوی تثلیث اقدس

سرچشمه فیاض این قوم نوین، خدای زنده و حقیقی است. اوست که قوم خود را از زمان ابراهیم دعوت می کند، در آن ایمان ایجاد می کند و خود را بر آن

۵- واتیکان دوم، نور ملل، شماره ۹.

و فقط براساس روابط انسانی تولد نیافته است: «نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم بلکه از خدا» (یو: ۱: ۱۳). با این حال فیض خدا بر هر آنچه انسانی است گسترش می یابد تا آن را متعالی و زنده ساخته و در آن تجسم یابد. فیض خدا از ما نمی خواهد که دور خود حصاری بکشیم و تعصبات فرقه گرایی را تقویت نمی کند. بر عکس، فیض خدا قلب ما را نسبت به همه از محبت پر می کند چه کسانی که متعلق به کلیسای ما هستند، چه کسانی که به کلیسای دیگر تعلق دارند و چه کسانی که متعلق به ادیان و عقاید مختلف هستند.

۱۸- راز مشارکت خدا و انسانها

پس این راز به طور تفکیک ناپذیری الهی و انسانی است. از خدا آغاز و به خدا می انجامد و تا انسانها گسترش می یابد. در اینجا موضوع راز کلیساست که مشارکت خدا و انسانها را تحقق می بخشد. مشارکت (Koinonia)، یکی از زیباترین اسامی عهد جدید برای ملموس نمودن راز تجربه نکردنی خدا محبت است- در مرکز کشف مجدد معنی کلیسای نهضت بین الکلسایی معاصر قرار دارد. حضرت پاپ ژان پل دوم اخیراً به ما یادآوری فرموده اند: «مشارکت یقیناً یکی از مفاهیم کلیدی کلیسا شناسی شورای واتیکان دوم است و امروز پسران بیست و پنج سال از پایان آن، باز به نظر می رسد که بایستی توجه خود را بر این مفهوم متمرکز کنیم. کوبونیا (مشارکت) بعدی است که تأثیر خود را بر نظامنامه کلیسا گذاشته و تمامی بیانات آن را دربر می گیرد: از اعتراف ایمان تا شهادت دادن های عملی، از انتقال آموزه ها تا تبیین ساختارها... موضوع مشارکت الهیاتی و تثلیثی هر ایماندار با پدر و پسر و روح القدس با غلبان در میان جامعه ایمانداران منتشر شده، آنها را در قومی واحد جمع می کند... با بعدی اساسی که دیدنی و اجتماعی است».^۴

* * *

۴- واتیکان دوم، نور ملل، شماره ۹؛ سخنرانی پاپ ژان پل دوم خطاب به کاردینال ها و سازمان اداری واتیکان به تاریخ ۱۹۹۰/۱۲/۲۰.

باعث می شود آن را تجربه کنیم وحدت مشارکت سه گانه مقدس است، الگویی که در شمایل سه گانه مقدس که در شمایل نگاری مشرق زمین بسیار مشهور است باز می یابیم.

خدای واحد که در تدارک نجات ما، خود را همچون پدر، پسر و روح القدس شناساند، واحد و یگانه است. هر شخص الهی «به سوی» دیگری است، هیچ تعلق وجود ندارد بلکه همه چیز در تعالی مطلق داده شده، پس افراد بشری «به شباهت خدا» (پیدا: ۱:۲۶) هستند و اساساً مشتاق اند که مورد محبت قرار گیرند و دیگران را محبت کنند. اما می دانیم متأسفانه زمانی که هر فرد یا هر گروه در فکر خود بوده و برای دیگری زندگی نمی کند دیگر به شباهت وی نیست. به همین دلیل، اتحاد فردی یا اجتماعی، از نقطه نظر انسانی، عملی دست نیافتنی است. دنیای ما دچار بیماری طرد و رد «دیگران» است. روحیه دنیوی، گناه، تفرقه و مرگ را به بار می آورد.

۲۲- کلیسا، مشارکت زندگی

کلیسا دعوت شده تا نشانه واضح این مشارکت باشد چرا که الگوی الهی آن وفادارانه در آن ساکن است. به همین سبب کلیسا همچون خادم آن مشارکت است؛ سه گانه اقدس غایت کلیساست. کلیسا اگرچه از قبل «اتحاد صمیمانه با خدا و اتحاد تمامی نوع بشر^۷ را درپیش گرفته اما هنوز مشارکت همه انسان ها با پدر آسمانی و بین خودشان نشده است. کلیسا فرستاده شده تا ملکوت محبت را به تمامی خلقت بیاورد آن گاه که خدا کل در کل خواهد بود. یعنی کلیسا برای خودش وجود ندارد بلکه برای خداوندش و برای همه انسان هایی که خود را خادم و نجات دهنده آنان قرار داد. کلیسا مشارکت زندگی است که در شمایل سه گانه مقدس با درخت حیات که در مشارکت سه گانه مقدس ریشه دوانیده نشان داده شده است.

۷- واتیکان دوم، نور ملل، شماره ۱.

آشکار می سازد و نقشه نجات همه انسان ها را به آن واگذار می کند. او این نسل نوین را طبق ایمان «از همه نژادها، کشورها، شهرها، روستاها و خانواده ها»^۶ جمع آوری می کند تا چنین فراوانی قوم واحدی را تشکیل بدهد که از هوش و توانایی انسانی فراتر می رود: این کار خدای واحد و یگانه است که دقیقاً آشکار می کند که وحدانیت متعالش راز کمال شخصی است، راز مشارکت (کونیونیا) پدر، پسر و روح القدس است. کلیسا با اضافه یا انتخاب کردن افراد تشکیل نشده بلکه عطیه بزرگ مشارکت سه گانه اقدس، واحد و نادیدنی است که به انسان ها تقدیم شده تا در آن زندگی کنند. «حیات ظاهر شد و آن را دیده ایم و شهادت می دهیم و به شما خبر می دهیم از حیات جاودانی که نزد پدر بود و بر ما ظاهر شد... تا شما هم با ما شراکت داشته باشید و اما شراکت ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است» (۱-یو: ۱:۲-۳). چنین راز مشارکتی از قلب انسان بالا نمی رود بلکه از نزد خدا همانند «عروس بره» (مکا: ۱۰:۱۰) نازل می شود. کلیسا ثمره تصمیم ما نیست. ما نیستیم که انتخاب نمودیم شاگردان مسیح باشیم بلکه اوست که ما را برگزید (ر. ک یو: ۱۵:۱۶)، زیرا پدر اول ما را محبت نمود (ر. ک ۱-یو: ۴:۱۹).

۲۱- قومی واحد و کثیر

به شباهت سه گانه اقدس واحد و تفکیک ناپذیر

از آغاز این نامه شبانی این سؤال را مطرح نمودیم که چگونه وحدت با گوناگونی کلیساها و سنت های ما سازگار است؟ در تلاش برای پاسخ گویی به آن ملاحظه نمودیم که «جامعه فرقه گرا» و ذهنیتی که این طرز تفکر را القا می کند الگویی را که جواب گوی واقعیت کلیسا باشد ارائه نمی دهد. در واقع روحیه دنیوی نه قادر به درک مفهوم وحدت در عین گوناگونی است و نه قادر به اجماع آن می باشد. یگانه الگویی که این راز به ظاهر متناقض را بر ما آشکار نموده و

۶- دعای برافرازی (Anaphore) قدیس سراپیون، اسقف تومیای مصر در قرن چهارم که به همراه قدیس آتاناسیوس «نامه هایی در باب روح القدس» را به رشته تحریر درآورد.

ج) کلیسا راز مقدس مشارکت

۲۳- نشانه مرئی راز الهی

توسط کلیسا، راز مشارکت سه گانه مقدس آشکار شده و در کلمه تن گرفته و توسط روح القدس به انسان ها داده شده تا با این حیات مشارکت زندگی کنند. بدین طریق، کلیسا راز مقدس مشارکت است.^۸: کلیسا اساساً رازگونه است. بدین معنی که راز مشارکت الهی که ذاتاً نامرئی و متعال است به صورت مرئی در کلیسا منتقل می شود. کلیسا در عین حال و به شیوه ای جدایی ناپذیر «تجمعی بشری و جامعه ای روحانی»، «واقعیتی واحد و پیچیده متشکل از عنصری بشری و عنصری الهی»^۹ یعنی همان راز کلمه تن گرفته است.

به ویژه امروزه ضرورت دارد که تجربه ما از کلیسا، از این نگرش ایمانی الهام گرفته باشد، در غیر این صورت ما بین دو وسوسه افراطی تقسیم خواهیم شد: یا اینکه کلیسا را سازمانی اجتماعی و مذهبی خواهیم دانست که در اینجا دوباره دچار فرقه گرایی خواهیم شد یا این که در واکنش نسبت به سازمان فرقه گرا، ایمانداران عیسی مسیح در نوعی برادری مبهم و احساساتی به هم ملحق می شوند که از نظر واقعیت انسانی وجود خارجی ندارد. در هر دو مورد مسیح را تقسیم نموده و راز مشارکت را از تاریخ انسان ها بیرون می کنیم.

۲۴- راز با آمدن پسر شروع می شود

«لیکن چون زمان به کمال رسید» (غلا ۴:۴) خدا پسر خود را فرستاد. پس زندگی، مشارکت الهی در تاریخ جسم گرفت. در شخص کلمه تن گرفته، در هر آنچه گفت و به قدرت روح القدس انجام داد، پدر نقشه محبت خویش را که همانا رستگاری انسان از گناه و مرگ یعنی آنچه مخالف مشارکت است توسط مرگ

۸- واتیکان دوم، نور ملل، شماره ۱.

۹- واتیکان دوم: نور ملل، شماره ۸.

ما دیگر به خودمان تعلق نداریم بلکه به آن کسی که به خاطر همه مرد و رستاخیز نمود. این موضوع برای هر فرد تعمید یافته و هر کلیسا صادق است. کلیسای خدا متعلق به خدا، برای پدر و بنابراین برای همه فرزندان پراکنده شده اوست. این آگاهی برای بازگشت (توبه) کلیسایی ما الزامی است زیرا توبه ما چیزی نیست جز بازگرداندن دل های ما به سوی پدر توسط پسر محبوب که ما را در مشارکت با او و دیگر فرزندانش قرار می دهد.

* * *

مقدس رویداد گذر در کلیسا بسط می‌یابد.^{۱۰} کلیسا حقیقتی مربوط به قربانی مقدس در معنای آن مشارکت و سپاسگزاری است که جامعه برگزار کننده قربانی مقدس به پدر، پسر و روح القدس تقدیم می‌کند.

۲۶- روح القدس زنده در کلیسا

در این کشف مجدد راز کلیسا ضروری است شناخت محبت آمیز خود را از روح القدس تجدید کنیم. در نقشه محبت خدای پدر، او همیشه همراه پسر فرستاده شده و زمانی که مسیح رستاخیز نموده روح القدس را به شاگردانش داد، کلیسا نیز در روح القدس «فرستاده» شد (ر. ک یو ۲۰: ۲۱-۲۲). روح القدس است که ایمان به مسیح رستاخیز کرده را در ما ایجاد می‌کند، ما را با پیوند زدن به مسیح در حیات پدر از نو متولد می‌گرداند و تمامی هستی ما را با روغن محو ناشدنی اش تدهین می‌کند. روح القدس است که در آیین مقدس کلام، مسیح را به یاد ما می‌آورد و در دل‌های ما به کلامش حیات می‌بخشد. روح القدس است که در دعاهای طلب نزول روح القدس در راز قربانی مقدس، تقدیمی ما را به مسیح تبدیل می‌کند. روح مشارکت (ر. ک ۲-قرن ۱۳: ۱۳) که در ابتدای دعای برافرازی در قربانی مقدس درخواست می‌شود «آنانی را که در یکتانان و در یکتا پیاله شرکت می‌کنند در مشارکت با بدن مسیح قرار می‌دهد.»^{۱۱} از همان لحظه، کلیسا ماهیت وجودی خود را نشان می‌دهد که همانا راز مقدس مشارکت تثلیث، «خیمه خدا/ انسان‌ها» است (مکا ۲۱: ۳).^{۱۲}

۱۰- «راز کلیسا و قربانی مقدس در نور راز تثلیث اقدس»، اولین سند مشترک کمیته بین‌المللی برای گفتگوی ایمانی بین کلیسای کاتولیک و کلیسای ارتدکس، مونیخ، ۶ ژوئیه ۱۹۸۲.

۱۱- سومین دعا در قربانی مقدس در آیین لاتین که چنین است: «ما را که از تن و خون تو تغذیه نمودیم، عطا فرما از روح القدس مملو شویم تا یک تن و یک روح در مسیح باشیم».

۱۲- اقتباس از «راز کلیسا و قربانی مقدس در نور تثلیث اقدس»، ۵: ۱.

پسرش و رستاخیز وی به انجام رسانید. پس این گذر آزادی بخش تنها رخداد تاریخ است که منقضی نمی‌شود: «یک بار برای همیشه» اتفاق افتاده، هست، وجود دارد و از آن زمان، به ویژه توسط کلامش و رازهای مقدسش در تاریخ عمل می‌کند.

چگونه مسیح رستاخیز کرده که دیگر همانند دوران زندگی فانی اش مقید زمان و مکان نیست، همیشه حاضر است و در میان انسان‌ها کار می‌کند؟ «نحوه جدید بودن و عمل کردن» انسانیت رستاخیز نموده‌اش در دنیای ما «راز گونه» است، یعنی در عین حال که مسیح کاملاً نزد پدر زندگی می‌کند، در میان ما نیز ساکن است و انسانیت فانی ما به وی دسترسی دارد. مسیح از زمان صعودش نزد پدر تا زمان بازگشت پر جلالش، از طریق قدرت روح القدس و به وساطت کلیسا و رازهای مقدس در دنیای ما حضور دارد و عمل می‌کند. ایمان کلیسا از بیان اصطلاح «بدن راز گونه» مسیح همان چیزی است که در بالا گفته شد.

۲۵- قربانی مقدس، راز مقدس مشارکت

دقیقاً در هنگام «شام آخر» است که عیسی تمامی راز مشارکت را به شاگردانش می‌دهد: در بدن تسلیم شده و خون ریخته شده‌اش به جهت بسیاری، عطیه کامل مشارکت الهی با انسان‌ها، عطیه محبت تا حد مرگ، «تا به آخر محبت نمودن» (یو ۱۳: ۱) انجام می‌پذیرد. در رویداد گذر که راز مشارکت برای انسان‌ها انجام می‌پذیرد، عیسی آن را با تقدیم خویش «به طور راز گونه» می‌دهد. از آن به بعد و «تا هنگامی که باز آید» (۱-قرن ۱۱: ۲۶) راز بزرگ قربانی مقدس در کسانی که توسط راز تعمید و تثبیت، مسیح را پوشیده‌اند، رویداد گذر را اعلام، عملی و منتشر می‌سازد. این گذر الهی خداوند تکرار نمی‌شود بلکه در رازهای مقدس حاضر می‌شود به گونه‌ای که گذر سر، گذر اعضا می‌گردد. در حقیقت «زمانی که کلیسا راز نان و شراب مقدس را برگزار می‌کند آنچه را هست تحقق می‌باشد یعنی بدن مسیح» (۱-قرن ۱۰: ۱۷). توسط قربانی

۲۸- راز مشارکت و کلیساهای خاص

به سبب این مشارکت است که کلیسا راز مقدس می باشد. «زیرا چنانکه بدن یکی است و اعضای متعدد دارد و تمامی اعضای بدن اگر چه بسیار است یک تن می باشد همچنین مسیح نیز می باشد. زیرا که جمیع ما به یک روح، در یک بدن تعمید یافتیم» (۱- قرن ۱۲: ۱۲-۱۳). زمانی که ما با بدن مسیح در راز قربانی مقدس مشارکت می کنیم، بسیار هستیم؛ با این حال هر کس با دریافت جزیی از نان مقدس، تنها قسمتی از بدن مسیح را دریافت نمی کند بلکه کل مسیح را، «زیرا ما که بسیاریم یک نان و یک تن می باشیم چونکه همه از یک نان قسمت می یابیم» (۱- قرن ۱۰: ۱۷). به همین طریق هر یک از کلیساهای ما بخشی از کلیسای پراکنده شده در دنیا نیست بلکه راز کلیسای واحد را در این محل و این زمان حاضر می سازد و راز مقدس آن می گردد. به همین علت تمامیت کلیسا در هر کلیسای خاص حضور دارد.

۲۹- کلیسای رسولی و جامع

حال این باقی می ماند که شرایط اساسی را برای آنکه یک کلیسا حقیقتاً راز مقدس مشارکت خدا و انسانها، علی رغم کثرت و گوناگونی کلیساهای باشد، تصریح نماییم.

در هنگام برگزاری آیین قربانی مقدس دو شرط اساسی ایمانمان را در قانون ایمان نقیه - قسطنطنیه اعلام می کنیم: کلیسای واحد و مقدس، «جامع و رسولی» است. اگر موفق به درک و تجربه مؤثر این دو جنبه اساسی از راز کلیسا بشویم همچنین یاد خواهیم گرفت چگونه همیشه وحدت را در کثرت بهتر زندگی نماییم.

۳۰- کلیسای رسولی

اولاً کلیسا «رسولی» است. به این طریق بود که از روز پنطیکاست در دنیا

فصل سوم

کثرت و وحدت در زندگی کلیسا

الف) کلیسا، راز مشارکت

۲۷- کلیسای واحد

در پایان تعمق مان بر راز کلیسا، فهم بهتر این موضوع با بصیرت ایمانی ممکن می شود که وحدت و کثرت نه تنها هم دیگر را دفع نمی کنند بلکه یکی مستلزم دیگری است و در تجربه ما از کلیسا، از هم تفکیک ناپذیرند.

برای درک این که چرا علی رغم یگانگی کلیسا، کلیساهای بی شماری در سرتاسر دنیا از همان اولین جامعه مسیحیان اورشلیم تاسیس شدند، ابتدا بایستی دو برداشت غلط را به کناری بگذاریم. طبق برداشت اول، کلیسای واحد، مجموع کلیساهای یعنی نوعی فدراسیون مسیحی جهانی است: این برداشت شکل دیگری از فرقه گرایی است که راز کلیسا را دربر نمی گیرد. زیرا از آنجا که فدراسیون واقعیتی سیاسی - اجتماعی است پس نمی تواند راز الهی مشارکت را ظاهر سازد و کلیساهای همانطور به صورت بدنهای متفاوت و تقسیم شده باقی خواهند ماند. برداشت دیگر که معکوس اولی است می پندارد کلیساهای شعبات محلی یک مرکز کلی به نام کلیسای واحد هستند؛ این جنبه حقوقی نیز پایین تر از راز مشارکت قرار می گیرد.

این دو برداشت، مسئله «کلیسا و کلیساهای» را همچون مسلهای ریاضی می نگرند در حالی که موضوع راز، راز کاملاً متفوقی است. در خدا عدد معنی ندارد. عقل ما قادر به درک واحد بودن خدا نیست زیرا برای عقل ما عدد یک، معادل نصف عدد دو و یک سوم عدد سه است. مسیح راز واحد بودن خدای زنده را به عنوان پری هم ذاتی و تفکیک ناپذیر بر ما آشکار نمود یعنی مشارکت پدر، پسر و روح القدس.

مقدس و زنده می‌نوشانیدم، سنتی که روح القدس از طرق سنت‌های واقعی متغیر به ما تقدیم می‌کند، روح القدس این سنت‌های معتبر را با توجه به موقعیت‌هایی که همواره متغیر هستند تجدید می‌کند. محتوای این سنت‌ها عبارتند از: کلام خدا، آن‌گونه که پدران کلیساهای ما فیض تفسیر آن را بر حسب فرهنگ‌های ما یافته بودند؛ رازهای مقدسی که ما را از طریق زبان و زندگیمان در تازگی مسیح سهیم می‌سازند؛ شهادت روحانی این همه مردان و زنان، این «جمع کثیر شاهدان» که به فیض آنها می‌توانیم «به سوی پیشوا و کامل‌کننده ایمان یعنی عیسی نگاه کنیم» (عبر ۱۲: ۱-۲): بالاخره رفتارهای شبانی واقعاً شرقی، که شورای واتیکان دوم درباره آنها رسماً اعلام می‌کند که کلیساهای ما «حق و وظیفه عمل بر حسب قوانین خاص خود را دارند.»^{۱۴}

۳۲- کلیسای جامع (کاتولیک)

هر چه بیشتر در کلیسای رسولی ریشه بدوانیم همانقدر بیشتر می‌توانیم به عنوان کلیسای «جامع» زندگی کنیم. واژه جامع (کاتولیک) را بایستی بر حسب ریشه یونانی اش "Katholike" که در قانون ایمان نیکیه - قسطنطنیه به کار رفته، خوب درک نماییم. قدیس ایگناتیوس انطاکی^{۱۵} این صفت را معنای مسیحی بخشیده و تحت الفظی «بر حسب همه» معنی کرده است یعنی همه در هر جز یافت شود، تا حدودی مانند جان که بدن زنده را حیات می‌بخشد.

۱۴- مجمع واتیکان دوم، کلیساهای شرق، شماره ۵.

۱۵- در نامه اش به کلیسای خدا در از میر چنین می‌نویسد: «تنها آن آیین قربانی مقدس، معتبر است که تحت سرپرستی اسقف یا نماینده او برگزار شود. در هر جایی که اسقف باشد، جماعت مسیحیان نیز باید باشند، همین طور هر جا عیسی مسیح است، آنجا کلیسای کاتولیک است.»

ظاهر شد. «رسولی» به چه معناست؟ بعضی‌ها، به ویژه در مشرق زمین با این واژه به این فکر می‌افتند که کلیساهای رسولان بنیاد نهادند. این موضوع درست است اما بایستی از این فراتر رفت. کلیسایی که بدین گونه در هریک از کلیساهای ما حضور دارد «بر بنیاد رسولان و انبیاء بنا شده که خود عیسی مسیح سنگ زاویه است.»^{۱۳} «چنانکه پدر مرا فرستاد من نیز شما را می‌فرستم» (یو ۲۰: ۲۱). این نکته بدان معناست که هر یک از کلیساهای ما به طور رازگونه امروز و همین‌جا، کلیسای رسولان را که توسط روح القدس در اولین پنطیکاست تشکیل شد، حاضر می‌سازند. این همان بدن و همان روحی است که بدون انقطاع حضور دارد: همان راز گذر که «یک بار برای همیشه» رخ داده توسط راز قربانی مقدس حاضر می‌شود. کلیسا تقسیم نمی‌شود بلکه همان یکتا تاک پدر است که رشد نموده میوه بسیار می‌آورد.

۳۱- معیار وحدت: مشارکت در سنت رسولی

به طور دقیق این موضوع بدان معنی است که کلیساهای ما نمی‌توانند در وحدت زندگی کنند مگر آنکه به «سنت رسولی» مشترکشان وفادار بمانند، که سنتی زنده و از رسولان دریافت کرده‌اند. محتوای این سنت رازهای مقدس ایمان است به ویژه راز مقدس «جاننشینی رسولی» و مشارکت در محبت، مخصوصاً هیئت اسقفان که امروزه راز مقدس هیئت دوازده رسول را برپا می‌کند. کثرت و تنوع «سنت‌های کلیسایی» ما طبق بافت انسانی کلیساهایمان متغیر است، اما معیار حقیقت و وحدتشان همان مشارکت در سنت رسولی باقی می‌ماند.

چقدر رسالت کلیساهای ما در مشرق زمین و در میان پراکندگان فعال و زندگی بخش می‌بود اگر این دل مشغولی را می‌داشتیم که خود را از این سنت

۱۳- ۱- قرن ۱-۱۰: ۱۱-۱۰؛ ر.ک افس ۲۰: ۲۰.

راز کلیسا که ما خوانده شده ایم تا در آن زندگی کنیم، نسبت به «جامعه فرقه‌گرا» اساساً نوین است. اینک خواهیم دید که این مشارکت را چگونه باید زندگی نمود: ابتدا در میان این هفت کلیسای ما، سپس با کلیساهای دیگر، میان این هفت کلیسای ما با کلیسای رم که در خدمت مشارکت و وحدت براساس محبت بنیاد نهاد شده است، با تمامی کلیساهای کاتولیک دنیا و همچنین با دیگر کلیساها و جوامع کلیسایی که هنوز در مشارکت کامل با آنها نیستیم.

* * *

پس کلیسا به چه معنایی کاتولیک است؟ غالباً جواب این است: زیرا که جهانی است، «در تمامی زمین پراکنده شده». اما جامعه اورشلیم و سپس جامعه انطاکیه بدون آنکه در تمامی زمین پراکنده شود، کاتولیک بود، بنابراین گسترش آن در تمامی زمین باعث کاتولیک بودن آن نمی‌گردد. ضمناً رشد روز افزون کلیساها نیز باعث تقسیم آن نمی‌گردد. همانطور که در بالا یادآوری شد تمامی راز کلیسا در هر کلیسای حقیقتاً رسولی حضور دارد.^{۱۶} کلیسایی که خودش را کاتولیک می‌خواند بایستی به طور موثری نشان دهد که با دیگر کلیساهایی که نسبت به سنت رسولی وفادار هستند، در مشارکت است.

۳۳- فیض «اسقفی»، خدمت مشارکت را بر عهده می‌گیرد

چگونه می‌توان عملاً در زندگی کلیساهای ما به این عطیه الهی جامعیت پاسخ داد؟ تجربه مشارکت میان کلیساها طی قرون اولیه نشان می‌دهد که سنت رسولی مجموعه‌ای از برگهای خشکیده نیست بلکه عصاره‌ای خلاق و به دو گونه است. از یک سو، کلیساهایی که هر یک سنت‌های خاص خودشان را دارند، یکدیگر را به عنوان کلیسا قبول نموده و هر یک در دیگری راز کلیسا را از خلال ویژگیهای مشروع و قانونیش باز می‌شناسد. این کار بر اساس همان سنت رسولی انجام می‌شود که در بالا ذکر کردیم. چنین به رسمیت شناختن یکدیگر نمی‌تواند وجود داشته باشد مگر با نگاه ایمانی و نه با عینک تفکر فرقه‌گرایی. در جامعیت زندگی کردن تقدس را می‌طلبند و تنها به «پاک دلان» (مت ۵: ۸) داده می‌شود. از سوی دیگر رسولان بر این امر شهادت می‌دهند که خدمت مشارکت توسط فیض اسقفی انجام می‌گیرد یعنی جامعیت موثر اساساً از مشارکت قانونی میان اسقفان سرچشمه می‌گیرد که لازمه آن مشارکت در مسئولیت است. از همان آغاز، شوراهای راهی را در پیش گرفتند که کلیسا برای بیان این مشارکت در مسئولیت پیموده بود. پس از مجمع اسقفان واتیکان، زندگی شورای اسقفی جهش نوینی را تجربه کرد. از آن به بعد شورای اسقفان سازمانی کلیسایی شد که مرتباً اسقفان را گردآوری می‌کند.

۱۶- ر. ک شماره ۲۸ همین نامه.

ایمانداران وی به نحوی از وی جاری و به وی متصل می‌باشد. به همین سبب، همگی بایستی ارزش زیادی برای زندگی آیین مقدس حوزه خلیفه‌گری قائل باشند که به دور اسقف به ویژه در کلیسای جامع جریان دارد: بایستی متقاعد شد که تجلی اصلی کلیسا در شرکت کامل و فعالانه تمامی قوم مقدس خدا انجام می‌شود: در برگزاری آیین‌های مقدس، به ویژه راز قربانی مقدس، در دعایی واحد، نزد یگانه قربانگاه یگانه، اسقف در حالی که کشیشان و شماسان دور او را گرفته‌اند، آنجا را سرپرستی می‌کند.^{۱۹}

۳۵- کثیر و متحد در مشارکت خدا

«کثیر»؟ در ابتدا به کثرت انسان‌ها، گروه‌ها، خادمین، دعوت‌ها، حوزه‌های کلیسایی و غیره می‌اندیشیم. این سؤال مطرح می‌شود: چگونه می‌توان در حالی که در هر کلیسای خاص کثیر هستیم، عملاً در تنوع خدمت‌ها و دعوت‌ها یکی باشیم؟ چگونه در هر کلیسای خاص در فیض وحدت و غنای کثرت زندگی کنیم، زیرا هر دوی آنها در راز مشارکت تثلیث اقدس ریشه دوانیده‌اند.

در اینجا مجدداً تأکید می‌کنیم که کثرت متضاد وحدت نبوده و وحدت، کثرت را باطل نمی‌سازد: «ما که بسیاریم یک تن می‌باشیم» (۱-قرن ۱۰: ۱۷). کثرت به معنای کثرت خدمت‌ها، عطایا و فعالیت‌هاست (ر.ک ۱-قرن ۱۲: ۴-۶). وحدت به معنای یکی بودن روح، نیکویی مشترک و «بنیاد» مشترک است (ر.ک ۱-قرن باب‌های ۱۲ و ۱۳ و ۱۴). اشخاص متعدد «خلقت تازه در مسیح»

۱۹- واتیکان دوم، Sacrosantum Concilium درباره آیین نیایش، شماره ۴۱. قدیس ایگناتیوس انطاکی در نامه‌های مختلفش (اواخر قرن دوم) چنین الگویی را ارائه می‌دهد. در نامه‌اش به کلیسای فیلادلفیه می‌گوید: مواظب باشید که فقط در یک راز قربانی مقدس شرکت کنید. چون تنها یک تن خداوند عیسی مسیح وجود دارد و فقط یک جام هست که ما را در خون او متحد می‌سازد و نیز تنها یک قربانگاه هست، همانطوری که اسقف در میان جماعت کشیشان و شماسان که شریک خدمت وی هستند، یگانه است» (نامه به فیلادلفیه ۴). همچنین رجوع کنید به پاورقی شماره ۱۱ همین کتاب.

ب) کثرت و وحدت در هر يك از کلیساهای ما

۳۴- کلیسای خاص

کلیسای خاص^{۱۷}، حوزه خلیفه‌گری است که مجمع واتیکان دوم آن را چنین تعریف می‌کند: «حوزه خلیفه‌گری (دایره اسقفی)، بخشی از قوم خدا را شامل می‌شود که به یک اسقف سپرده شده تا با کمک کشیشان، شبان آن باشد: بدین سان حوزه خلیفه‌گری که به شبان خویش وابسته است و توسط وی در روح القدس جمع شده، به فیض انجیل و راز قربانی مقدس کلیسایی خاص را تشکیل می‌دهد که در آن حقیقتاً کلیسای مسیح یعنی واحد، مقدس، جامع و رسولی حضور دارد و عمل می‌کند.»^{۱۸} بنابراین کلیسای خاص که در اینجا تعریف شده حقیقتی ایمانی است. کلیسا عطیه سه گانه مقدس است و از انجیل و راز قربانی مقدس تغذیه می‌نماید و در بخشی از قوم خدا نمایان می‌گردد که به اسقفی سپرده شده تا آن را در مشارکت با همه کشیشان نگه دارد. راز کلیسا با تمامیت خود در آن حاضر است.

تجلی والای کلیسای خاص در هنگام برگزاری راز قربانی مقدس به دور اسقف نمایان می‌گردد. مجمع واتیکان دوم در این باره می‌گوید: «بایستی اسقف را همچون کاهن اعظم گله خویش در نظر گرفت. زندگی مسیحی

۱۷- در این نامه نمی‌خواهیم بحث الهیدانان را در مورد دو اصطلاح «کلیسای خاص و کلیسای محلی» و معنای آنها دامن بزنیم. در اینجا اصطلاح «کلیسای خاص» را برای مشخص نمودن حوزه خلیفه‌گری به معنای الهیاتی آن انتخاب نمودیم. چون هر حوزه خلیفه‌گری وابسته به حوزه پاتریارکی است پس تمامی حوزه پاتریارکی کلیسای خاص است، همانطور که به نظر می‌رسد مجمع واتیکان دوم در اعلامیه مربوط به کلیساهای شرق بیان می‌کند. کلیسای محلی را در معنای جغرافیایی به همراه تمامی ویژگی‌های انسانی، اجتماعی و فرهنگی که در آن واقع شده در نظر گرفته‌ایم. چرا که حوزه‌های پاتریارکی و خلیفه‌گریهای ما در یک محل جغرافیایی مشترک واقع شده‌اند و همگی با هم کلیسای محلی را تشکیل می‌دهند.

۱۸- واتیکان دوم، مسیح خداوند، شماره ۱۱.

می پردازد. جامعه اولیه اورشلیم همیشه «الگوی کلیسایی» ما باقی می ماند: شاگردان «در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند.»^{۲۰} پس این موضوع نشان می دهد چگونه می توان در عین زیاد بودن در هر یک از کلیساهای ما در «اتحاد» زندگی کنیم:

(۱) انتقال ایمان رسولان عملی است بر حسب سنت و هر یک از ما بنا به جایگاه و نقش و دعوتی که در کلیسا داریم مسئول هستیم. در خانواده (که «کلیسای خانوادگی» است) و در جامعه کلیسایی (افراد بالغ و نه تنها کودکان و جوانان) است که کلام خدا شنیده، تعمق و تفسیر می شود، کلام خداست که مشارکت بنیادین ما را در ایمان زنده تغذیه می کند.

(۲) «وفاداری به مشارکت برادرانه» عملاً این را می طلبد که حوزه کلیسایی چیزی بیشتر از یک سازمان اداری یعنی جامعه ای زنده باشد که در آن ایمانداران و شبانان همدیگر را می شناسند، سعی می کنند روحاً و قلباً با هم موافق باشند، در احتیاجات مادی و معنوی به هم یاری رسانند و با هم در خدمت دیگر هموعانشان کار کنند، چرا که «خلقت نوین» آنان راز مقدس محبت مسیح نسبت به همه انسان هاست.

(۳) «شکستن نان»، راز قربانی مقدس، زمان عمیق ترین مشارکت است چرا که در قربانی مقدس است که رویداد نجات، قربانی محبت مسیح، توسط اعضایش تقدیم و تقسیم می شود. اما برگزاری آیین قربانی مقدس و تمامی حیات آیین حوزه کلیسایی می طلبد که همه حقیقتاً در آن شرکت جویند نه اینکه بیننده یا شنونده باشند بلکه فعالانه و به طور جمعی در آن سهم گردند.

(۴) «مواظبت در دعاها»، دعاهایی که اعضای خانواده یا جماعت های مختلفی را از حوزه کلیسایی جمع می کنند بدین معناست که هر کس مطمئن شود که عیسی

۲۰- ۲: ۴۲؛ ر.ک. ۴: ۳۲-۳۵ و ۵: ۱۲-۱۶.

هستند (۲- قرن ۵: ۱۶-۱۷). زیرا آنان در مسیح تعمید یافته و در روح القدس مسح شده اند، به هر یک از آنان، عطایای نوین بر حسب کار و وظیفه جایگزین ناپذیری که در حوزه کلیسایی و خلیفه گری دارند، داده شده است. به همین علت اگر بخواهیم مشارکت در درون هر کلیسای خاص موثر باشد، بایستی این عطایا را زنده نموده و به بار نشانند نه اینکه آنها را خوب شناسیم یا در «زمین پنهان کنیم» (ر.ک مت ۲۵: ۱۴-۳۰). اگر می خواهیم این مشارکت عامل وحدت باشد بایستی این عطایا را در اتحاد با تمامی بدن به بار نشانند.

۳۶- نعمت ها بسیارند اما روح یکی است

بایستی آنچه را پولس رسول به کلیسای قرنتس نوشته، جدی گرفت: «نعمت ها انواع است ولی روح همان و خدمتها انواع است اما خداوند همان و عملها انواع است لکن همان خدا همه را در همه عمل می کند ولی هر کس را ظهور روح به جهت منفعت عطا می شود» (۱- قرن ۱۲: ۴-۷). این همان الگویی است که این نامه شبانی از ما می خواهد آن را پیش روی خود قرار دهیم. پولس رسول تک تک کلیساهای ما را ترغیب می کند: «روح را خاموش مکنید» (۱- تسال ۵: ۱۹). تمامی خادمین دستگذاری شده، اسقف، کشیش و شماس دعوت شده اند تا «آن عطای خدا را که به وسیله گذاشتن دستها بر وی نهاده است، به یاد آورد» (ر.ک ۲- تیمو ۱: ۶). هر تعمید یافته بایستی از دعوت نوین خویش آگاهی یابد: «شما بدن مسیح هستید و فرداً اعضای آن می باشید» (۱- قرن ۱۲: ۲۷). «فرداً» به معنای شراکت مؤثر است: «در هر چیز ترقی نماییم در او که سراسر یعنی مسیح که از او تمام بدن مرکب و مرتب گشته» (افس ۴: ۱۵-۱۶).

۳۷- جامعه اولیه الگوی تمامی کلیساهای خاص است

کتاب اعمال رسولان صحبت از کلیسای اولیه اورشلیم، به توصیف مشارکت در کلیسا، چگونگی همکاری عطایا، خدمت ها و امکانات در جمیع ایمانداران

جامعه‌ای که پیام‌شان را رد می‌نمود از قدر و ارزش برخوردار بودند.

۳۸- موقعیت‌های سخت

الگوی کلیسایی را که جامعه اولیه اورشلیم ارائه می‌دهد باید جدی گرفت. ضمن دعا کردن در این باره تعمق کنیم و آن را با آنچه در حوزه‌های کلیسایی و خلیفه‌گری خود زندگی می‌کنیم مقایسه نماییم. این کار باعث ایجاد دلتنگی نجات‌بخش، تصمیم به توبه و پویایی معنوی جامعه و کلیسا برای اعلام انجیل می‌گردد. به جای مایوس کردن ما را فروتن و واقع‌گرا در امید می‌گرداند.

نباید تصور کنیم که اولین کلیسای رسولی متعلق به «عصر طلایی» تاریخ کلیسا بود. کتاب اعمال رسولان و نامه‌های پولس رسول، تجربه عملی اولین کلیساهای محلی را منتقل می‌سازند، ما می‌توانیم در این تجربه موقعیت‌های سختی را ببینیم که به موقعیت فعلی هر یک از کلیساهای ما شبیه هستند. در تجربه اولین کلیساها به ویژه بایستی دو واقعیت را برجسته نمود، زیرا اگر آنها را فراموش کنیم نمی‌توان «الگوی کلیسایی» کلیسای رسولی را تجربه نمود.

اولین واقعیت در رابطه با راز انسان‌هاست: محدودیت و ضعف انسان و تمایل وی به شر و گناه. تمامی این موارد از اولین جامعه اورشلیم^{۲۱}، در انطاکیه میان پطرس و پولس^{۲۲}، در قرن‌های ۲۳ و غیره بایستی نه موقعیت اولین کلیساها را ایده‌آل تصور نمود و نه از بدبختی‌های خود تعجب کنیم: ما از همان سرشت انسانی هستیم که پدران ایمانی ما بودند. این واقعیت بایستی ما را مایوس و

۲۱- فریبکاری حنانيا و صفيره (اع: ۵-۱۱): شکایت یونانیان علیه عبرانیان درباره خدمت یومیه (اع: ۶:۱).

۲۲- پنهان کاری پطرس که در نامه به غلاطیان ذکر شده (غلا: ۱۱-۱۴).

۲۳- تفرقه میان ایمانداران (۱-قرن ۱-۳): زناى محارم (۱-قرن ۵:۱): رفتن به دادگاه غیر مسیحی (۱-قرن ۶:۸).

او را می‌خواند. «می‌باید همیشه دعا کرد و کاهلی نورزید» (لو: ۱۸:۱). اما چه کسی به کودکان طرز دعا کردن و دعای حقیقی قلبی را یاد می‌دهد؟ سنت‌های روحانی ما در این زمینه گنجینه‌ای پر بار هستند. از شبانان و ایمانداران که این عطیه را از روح القدس، «استاد دعا» دریافت نموده‌اند، درخواست می‌شود تا در این عطیه زندگی کرده و با جماعت تقسیم نمایند.

۵) **شماسی (دیاکونی) یا تقسیم اموال:** خدمت شماسی، در ابتدا برای اجرای فرمان محبت در سطح زندگی مادی ایجاد شد (ر.ک اع باب ۶) سپس در دیگر زمینه‌های زندگی، معنوی، فرهنگی و مادی توسعه یافت. هر کلیسا تا به امروز خدمات متفاوتی دارد که توسط آنها سعی می‌کند به نیازهای گوناگون ایمانداران پاسخ بدهد. آینده کلیسای ما می‌طلبد که این خدمات بهتر سازماندهی شوند. این کار اگر نگوییم یکپارچگی ولی حداقل مستلزم هماهنگی حتمی این خدمات مابین کلیساهای متفاوت است. زیرا همه ما بایستی با همان مشکلات و سرنوشت مقابله نماییم. زمینه توسعه را بایستی میان ایمانداران سازماندهی کرد به نحوی که هر ایماندار با تقسیم نگرانیهای برادرش و همکاری با وی در پیشرفت خودش خادم وی گردد. اما باید دانست که پیشرفت مادی، از نظر کلیسا و فرمان محبت، مستلزم پیشرفت معنوی هم طراز است. جمله مزبور حاوی معنایی عمیق از تعلق کلیسایی نیز هست به گونه‌ای که هر کس احساس کند عضوی از یکتا بدن مسیح است که در آن با تمامی برادران و خواهرانش در یکتا زندگی الهی ملاقات می‌کند.

۶) **شهادت مشترک:** کلیسا مشارکت برای زندگی است. جامعه مسیحی زندگی را می‌پذیرد تا آن را بدهد. زمانی که «یک دل و یک جان» است می‌تواند به رستاخیز خداوند عیسی شهادت دهد (ر.ک اع: ۴-۳۲-۳۵). همین شهادت مشترک بود که مسیحیان اولیه را «نزد تمامی خلق عزیز می‌گردانید» (اع: ۴۷:۲). این موضوع بدان معنی است که آنان علی‌رغم تعداد کم‌شان در

راز مرتبت یابی همان راز جاننشینی رسولی است. به خاطر این راز کلیساهای ما حقیقتاً «رسولی» هستند و بدین سان کلیسای رسولان را حاضر و فعال می‌سازند. به لطف اسقف، کشیشان و شماسانش است که کلیسای محلی می‌تواند از خلال تمام ضعف‌های انسانیش، «الگوی کلیسایی» مشارکت جامعه اولیه اورشلیم را تحقق بخشد. بدون اسقف و همکارانش، مشارکت کلیسایی در ایمان رسولی، رازهای مقدس و محبت وجود ندارد. راز مرتبت یابی، نشانه، ضامن و خادم وحدت کلیسا در کثرت اعضایش می‌باشد.

۴۰- مسئولیت اسقف

اسقف که روح القدس را توسط دستگذاری دیگر اسقفان دریافت نموده برای این است که قبل از هر چیز انجیل نجات را وفادارانه اعلام کند. سپس راز قربانی مقدس را سرپرستی نموده و کلیسایش را با رازهای مقدس ایمان زندگی بخشد. سپس مشارکت نعمت‌های ایبلنداران را در وحدت، برای رسالت کلیسایش بر عهده گیرد. با این حال مسئولیت‌های بسیار دیگری بر دوش وی نهاده شده‌اند که ربط مستقیمی با مسئولیت‌های اسقفی نداشته و انجام آنها نیازی به دستگذاری اسقفی ندارد. ایمانداران این موضوع را می‌دانند. بعضی‌ها یاری می‌کنند، دیگران انتقاد می‌کنند یا سکوت می‌نمایند و دور می‌شوند. اما آنان برای یاری اسقفشان جهت تحمل مسئولیتهایی که راز مرتبت یابی بر دوش او می‌گذارد چه می‌کنند؟ زیرا مشارکت به معنای رابطه یک طرفه نیست. همه در یک ایمان شریک‌اند و بنابراین همه بایستی در بنای کلیسای خدا سهیم گردند.

اسقف با راز دستگذاریش علم شناختن همه موقعیت‌های شبانی حوزه خلیفه‌گریش را به دست نیآورده و نه استعداد به کارگیری وسایل گوناگون برای حل نمودن آنها. مجمع واتیکان دوم برای این کار تشکیل شورای شبانی مشورتی متشکل از کشیشان، شماسان، راهبان، راهبه‌ها و ایمانداران عام، به دور اسقف

۲۵- واتیکان دوم، اعلامیه درباره مسئولیت شبانی اسقفان، «مسیح خداوند» شماره ۲۷.

دل‌سرد سازد بلکه خود دلیل بر آن است که تازگی کلیسا «از انسان‌ها نمی‌آید بلکه از خدا»، همان‌گونه که غملائیل احساس کرده بود (ر. ک اع ۵: ۳۸-۳۹). تفرقه‌های داخلی به همان اندازه که مانع مشارکت در یک حوزه کلیسایی یا خلیفه‌گری می‌شوند به همان اندازه محرکی برای دعوت ما به سوی برگرداندن دل‌هایمان به سوی پدر در فروتنی و وفاداری هستند. با همین توبه دایمی است که از طرز تفکر فرقه‌گرایی تصفیه خواهیم شد. هر کلیسا جامعه‌ای از گناهکاران است که همواره خوانده می‌شود توسط مسیح با خدا آشتی کند (ر. ک ۲- قرن ۵: ۱۸-۲۰). تنها فیض خداست که کلیسا را «واحد و مقدس» می‌گرداند و به همین سبب از آغاز به آن عطا شده که رسولی باشد.

دومین واقعیتی که بایستی برجسته نمود این است که خداوند همواره در هر کلیسا خادم مشارکت است زیرا معجزه خارق العاده مشارکت در «ظروف خاکی» فقر انسانی ما تحقق می‌یابد (۲- قرن ۴: ۷). این موضوع باعث می‌شود که نترسیم و به خاطر ضعف‌هایمان دل‌سرد نگردیم.

۳۹- راز مقدس دستگذاری (مرتبت یابی) به تحقق الگوی کلیسای کمک می‌کند

منظور عیسی از شستن پاهای شاگردان در شام آخر همین بود. او وظیفه «خادم» را به کسانی سپرد که آنها را «فرستاد» (یو ۱۳: ۱۶) به نحوی که رسولان و جان‌نشینان حقیقتاً اما به طور رازگونه در میان جامعه‌ای که آیین راز قربانی مقدس را برپا می‌کنند، وظیفه کسی را که «در میان شما چون خادم است»^{۲۴} به انجام می‌رسانند.

۲۴- ر. ک لو ۲۲: ۲۷. انجیل لوقا بحث رسولان را در مورد اینکه چه کسی در میان آنها بزرگتر است به شام آخر ربط می‌دهد (۲۲: ۲۴-۳۰) و ذکر از شستن پاهای شاگردان نمی‌کند. توجه خواهید کرد که در همان چهارچوب، اعلام انکار پطرس قبل از اعلام «بازگشت» وی برای «استوار نمودن برادرانش» در ایمان (۲۲: ۳۱-۳۴) قرار گرفته است.

هماهنگی با سنت‌های شرقی حقیقی به این دعوت پاسخ داد؟ زیرا خدماتی که شماسان امروزه می‌توانند در حوزه‌های خلیفه‌گری یا کلیسایی انجام دهند فراوان هستند: آموزش تعلیمات دینی، خدمت کلام خدا، احیای آیین‌های مذهبی، خدمات بشارتی، اجتماعی، انسان دوستانه و میانجیگرانه. کافی نیست که تنها مردان کامل را برای شماسی دستگذاری نمود^{۲۸}. بایستی آنها را در ابتدا برای انجام خدمتشان با تعلیم و تربیتی آماده کرد که ضمن مجزا بودن از تعلیم و تربیت کشیشان، به همان اندازه ضرورت داشته باشد^{۲۹}.

۴۲- ایمانداران عام

ایمانداران عام به خاطر دریافت راز تعمید و تثبیت و شرکت در راز قربانی مقدس بخش مکمل یکتا بدن مسیح هستند. آنان به خاطر موقعیت و دعوتشان در کلیسای خدا، در این بدن مقام شایسته خویش و رسالت در کلیسا و در دنیا در تمامی سطوح را دارند. کلیسای خاصی که ایمانداران در زندگی و رسالتش به نحو موثری شرکت نمی‌کنند دچار نقص عضو بوده و مفهوم کامل راز کلیسا را تحقق نمی‌بخشد. مجمع واتیکان دوم و اسنادی که پس از آن منتشر شده‌اند ما را به چنین شرکتی دعوت می‌کنند. امروزه نیز یکی از ویژگیهای برجسته کلیسا همین است.

مجمع واتیکان دوم می‌گوید: «پس قوم خدا یکی است: «یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید» (افس: ۴: ۵). آنان همچون اعضا به خاطر تولد دوباره خود در مسیح در ارزش و هویتی مشترک سهیم‌اند. آنان به طور یکسان به سوی کمال دعوت شده‌اند. قوم مزبور مشترکاً نجاتی یگانه، امیدی یکتا و محبتی ناگسستن در اختیار دارد. بدین ترتیب در مسیح و در کلیسا هیچ‌گونه نابرابری در زمینه نژاد یا ملیت، موقعیت اجتماعی یا جنسیت وجود ندارد، زیرا «هیچ ممکن نیست که

۲۸- ر.ک ا.ع ۱: ۶-۱ و ۱- تیمو ۳: ۸-۱۳.

۲۹- کتاب قانون کلیساهای شرق، ۳۵۴، ۷۶۰.

را پیشنهاد می‌کند^{۲۵}. آیا شبانان و ایمانداران نگران وجود و خدمت موثر این شورای شبانی برای بنای کلیسا بر دو سطح کلیسایی و انسانی هستند؟ یا اینکه بیشتر علاقه مند تسلطی هستند که نمایندگان جامعه فرقه‌گرا در زمینه‌های دولتی، سیاسی و اجتماعی دارند؟

۴۱- کشیشان و شماسان

کشیش خادم کلام، رازهای مقدس و مشارکت در محبت در حوزه کلیسایی است که اسقف به وی سپرده است. کلیسا کشیش را دعوت می‌کند تا خدمت خویش را با غیرت و محبت انجام دهد. اما همچنین بایستی برای کشیشان زندگی مادی شایسته‌ای فراهم نمود، به نحوی که مجبور نباشند برای کسب درآمد به شغل‌های دیگری متوسل شوند که امکان محدود کردن اولین فعالیت کهنانته‌شان را به دنبال داشته باشد. ایمانداران، چه روحانیون و چه ایمانداران عام نیز همراه با کشیشان مسؤل هستند. برای یاری رساندن به کشیش در خدمتی که برای آن دستگذاری شده و گرفتن مسئولیت آنچه مربوط به خدمت وی نمی‌باشد، چه می‌کنند؟ در این رابطه، کتاب جدید قوانین کلیساهای شرق، تشکیل شوراهای کلیسایی را پیش‌بینی می‌کند تا مسائل شبانی و اقتصادی^{۲۶} به نفع ایمانداران حل و فصل شود.

در زمینه تقسیم مسئولیت‌ها و فیضی که به هر کس عطا شده، اهمیت دارد که در هر حوزه خلیفه‌گری به خدمت شماسی ارزش مجدد داده شود. در حال حاضر، به جز مواردی استثنایی، این خدمت تنها رتبه‌ای قبل از کشیشی نگریسته می‌شود و عملاً این موهبت الهی کار خویش را انجام نمی‌دهد. با این حال، مجمع واتیکان دوم احیای خدمت شماسی دائمی را توصیه می‌کند^{۲۷}. آیا نبایستی در

۲۶- کتاب قانون کلیساهای شرق، شماره ۲۹۵.

۲۷- واتیکان دوم، نور ملل، شماره ۲۹.

ج) کثرت و وحدت در روابط میان کلیساهای کاتولیک

۴۳- وحدت کلیساهای ما

امروزه در مشرق زمین، در کشورهایی که هفت کلیسای کاتولیک ما حضور دارند، مرزها و حدود حوزه‌های خلیفه‌گری و کلیسایی به ویژه در شهرها با هم درآمیخته‌اند. همین امر در بیرون از مشرق زمین یعنی در میان پراکندگان نیز صادق است. کلیساهای ما مشارکت کامل قانونی در ایمان، رازهای مقدس و فعالیت شبانی ما بین خود و با اسقف کلیسای روم دارند و نیز در مشارکت کاتولیکی در تمامی دنیا شریک هستند اما در سطح ملی و محلی این کلیساهای چگونه به طور موثر با هم اتحاد دارند؟ آنها «زیاد» هستند: وحدت خود را چگونه بیان می‌کنند و چگونه سنت‌های متعددشان به جای اینکه عاملی برای تفرقه باشد، سرچشمه همکاری و محبت می‌گردد؟

الگوی کلیسایی روابط بین کلیساهای ما براساس آنچه قبلاً درباره مشارکت به عنوان «جامع» و «رسولی»^{۳۱} گفته شد قرار دارد. بیان و اصطلاحات مشارکت میان کلیساهای ما اساساً همانهایی هستند که از طریق آنها وحدت در کثرت در درون هر یک از کلیساهای ما بیان شد.^{۳۲} این توصیف‌ها شامل دو عنصر جدید هستند: از یک سو، هر یک همانند دیگران حقیقتاً کلیساست، از سوی دیگر، خدمت برای وحدت میان کلیساهای ما در درجه اول بر دوش اسقفان می‌افتد زیرا عضو هیئت جانشینان رسولان هستند. بدین سان هر اسقف شبان مسئول حوزه خلیفه‌گری خویش است، اما همه اسقفان با هم مسئول مشارکت موثر میان خلیفه‌گری‌هایشان هستند.^{۳۳}

۳۲- ر.ک شماره ۲۹.

۳۲- ر.ک شماره ۴۲.

۳۳- واتیکان دوم، نور ملل، شماره ۲۳ و مسیح خداوند، شماره ۶.

یهود باشد یا یونانی، نه غلام و نه آزاد، نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک می‌باشید» (غلاما: ۲۸:۳؛ ر.ک کول ۳: ۱۱)»^{۳۰}.
در پایان این تعمقی که بر کثرت و وحدت در هر یک از کلیساهایمان داشتیم، درک نمودیم که زنده نگه داشتن این دل مشغولی همیشه اهمیت دارد که: «برای تکمیل مقدسین، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل به اندازه قامت پری مسیح برسیم» (افس ۴: ۱۲-۱۳). در حقیقت ما «سنگ‌های زنده» (۱- پطرس ۲: ۵) کلیسایمان هستیم و «هریکی از ما را فیض بخشیده شد به حسب اندازه بخشش مسیح» (افس ۴: ۷).

* * *

۳۰- واتیکان دوم، نور ملل، شماره ۳۲.

همکارانش» تا نشانه و خادم مشارکت همه باشد^{۳۴}. بدون تشکیل شورای اسقفان میان کلیساهای منطقه و علی‌رغم وسعت آن منطقه، مشارکت مؤثری وجود نخواهد داشت. تاریخ کلیساهای ما در مشرق زمین به ما یاد می‌دهد که عدم وجود شورای اسقفان باعث به وجود آمدن اکثر تفرقه‌ها یا در هر صورت، مانع بهبود آنها شده است. بنابراین ضرورت دارد که جانی دوباره به شورای اسقفان کلیساهایی که دارای پاتریارک هستند و نیز به مجمع پاتریارک‌ها و اسقفان داد^{۳۵}.

۴۶- شورای اسقفان کلیسای پاتریارکی و مجامع پاتریارک‌ها و اسقفان

تشکل شورای اسقفی در معنای خاص آن، امروزه در کلیساهای کاتولیک مشرق زمین، در سطح هر حوزه پاتریارکی انجام می‌گیرد. شورای مقدس حداقل سالی یک بار جمع می‌گردد و به مسائل مشترک حوزه پاتریارکی چه در مشرق

۳۴- این رسم از قرن دوم معمول بوده همان‌گونه که در «قانون رسولان» تأیید شده: «اسقفان هر منطقه بایستی بدانند که اولین (Protos) در میان آنها کیست و وی را همچون رهبر (سر، Kephali) تلقی کنند و بدون توافق وی هیچ کاری نکنند حتی اگر مربوط به مسائل خلیفه‌گری و مناطق مربوطه خودشان باشد. اما وی نیز یعنی (Protos) بایستی بدون موافقت دیگران کاری انجام دهد. بدین سان هماهنگی (Homonia) حکمفرما خواهد شد و خدا توسط مسیح در روح القدس جلال خواهد یافت،» (ماده ۳۴). قابل توجه است که الگوی وحدت در کثرت در اینجا نیز مشارکت سه‌گانه اقدس است.

۳۵- مجمع واتیکان دوم این موضوع را صریحاً بیان می‌کند: «این شورای مقدس بین‌کلیسایی شدیداً تمایل دارد که نهادهای محترم شوراها و مجامع اسقفان نیرویی تازه بیاورد تا بتواند بر حسب موقعیت‌ها و برای پیشرفت ایمان و حفظ نظم در کلیساهای گوناگون، روش مناسب و موثرتر اتخاذ نمایند» (واتیکان دوم، مسیح خداوند، شماره ۳۶).

۴۴- کلیسا به همان میزانی واحد است که «کاتولیک» باشد

واضح است که وحدت، در کثرت کلیساهای کاتولیک مشرق زمین ما، با حل شدن کلیسایی در کلیسای دیگر تحقق نخواهد یافت: این جمع نمودن اجباری ربطی به راز کلیسای واحد ندارد، همچنین واضح است که کثرت، خود به خود وحدت را به وجود نمی‌آورد اگر هر کلیسایی در یک سرزمین در مقابل دیگران قرار گرفته بخواهد در انزوای خود باقی بماند. هر کلیسا زمانی واحد است که به طور مؤثری کاتولیک باشد. یگانه‌الگوی کلیسایی که سنت رسولی به ما ارائه می‌دهد همان الگوی مشارکت است. پس تمامی ساختارهایی که امکان پاسخ‌گویی به احتیاجات وحدت در کثرت را فراهم می‌کنند توسط سنت رسولی به ما ارائه شده‌اند. اصل، هیئت اسقفان است.

۴۵- هیئت اسقفان

هیئت اسقفان به گرد اسقف رم، به طور رازگونه نمایانگر هیئت دوازده رسول به گرد پطرس است. این مشارکت براساس سلسله مراتب و قانون کلیسا برای آنکه کثرت در خدمت وحدت باشد اجتناب‌ناپذیر است. همکاری هیئت اسقفان، امری احساساتی، بعید و حسی نیست بلکه بایستی در عمل مؤثر باشد و مستلزم مسئولیت مشترک اسقفان در زمینه‌های مشترک، در سطح ملی و محلی است.

بنابراین از زمان رسولان جلوه سنتی این مسئولیت مشترک، شورای اسقفان است. بسیار پیش از تشکیل شوراها بین‌کلیسایی (Oecumenique) یعنی «زمین مسکونی» از سوی کلیساهای اسقفان یک سرزمین دور هم جمع می‌شدند تا با هم متمرکز شده و درباره مشکلات مشترکشان تصمیم‌گیری کنند. ترکیب این شوراها برحسب گستردگی قلمرو اسقفان و مشکلات آنان متغیر بوده است. اما هیئت همکاری اسقفان مسئول که نام دیگر ساختار شورای اسقفان است، دارای نظم و ترکیب خاصی بوده: همیشه اسقفی وجود داشته، «اولین در میان

۴۷- مشارکت کلیسایی میان حوزه‌های خلیفه‌گری و حوزه‌های کلیسایی

طبیعی است مسائل مشترک مربوط به کلیساهای ما که جنبه محلی دارند در همان سطح و توسط کلیساهای ذینفع با هم حل و فصل گردند. به همین سبب می‌خواهیم مشارکت کلیسایی مان را عمیق‌تر سازیم تا همه خواست‌های آن را در تمامی سطوح و در تمامی موقعیت‌ها پاسخگو باشیم. این موضوع بدان معنا نیست که تنها روستاها را روی هم انباشته نماییم بلکه مناطق شهرهای مهم. در این بافت بشری است که کلیسای محلی همچون مشارکت خدا و انسان‌ها بافته می‌شود.

در این راستا مفید خواهد بود که شورای اسقفان استان‌ها را که در هزاره اول تشکیل می‌گردید دوباره فعال نمود اما مطابق با اوضاع و شرایط نوین. کافی است که اسقفان یک محل توافق نمایند که مرتباً جمع شوند. کشیشان، ایمانداران عام، شماسان، راهبه‌ها و راهبان که در مورد مسائل روز ذینفع باشند می‌توانند در این مشورتها شرکت جویند. بدین طریق هر کس به سهم خود، در رسالت کلیسای محلی احساس مسئولیت کرده با یقین کامل در آن متعهد خواهد گردید.

با عمیق‌تر نمودن مشارکت کلیسایی میان کلیساهای ما، از این به بعد هیچ کلیسای دیگری رقیب نبوده بلکه در احترام به سنت خاص خود و در وفاداری نسبت به سنت خاص خودمان برادر شناخته می‌شود. مشارکت قوه ابتکار (خلاقیت) دارد: مشارکت تازگی محبتی است که پدر، ما را در مسیح محبت می‌نماید: مشارکت، «شراکت روح القدس» (۲-قرن ۱۳:۱۳) است.

۴۸- با دیگر کلیساهای رسولی

همان‌طور که کشف مجدد ما از راز کلیسا به عنوان مشارکت، ما را فرامی‌خواند تا روابط خود را در درون کلیساهای محلی و میان کلیساهای کاتولیک از ریشه تجدید نماییم همین‌طور نیز فراخوانده شده ایم تا روابط خود را

زمین و چه در میان پراکندگان می‌پردازد. هدف کلی آن، در حین وفاداری به سنت خاص هر کلیسا و پاسخگویی به احتیاجات فعلی، ارتقاء مشارکت کلیساهای این سنت بر حسب روابط گوناگون مشارکت کلیسایی می‌باشد: تعلیم انجیل به ایمانداران، احیای زندگی آیینی، سنت روحانی و الهیاتی، زندگی رهبانی و رسولی، رسالت و تعلیم و آموزش مقدماتی و دائمی روحانیون.

روابط با دیگر کلیساهای نیز در این هدف کلی می‌گنجد، اما به خودی خود، شورای پاتریارک‌ها روابط بین یک حوزه خلیفه‌گری را با یک حوزه خلیفه‌گری از کلیسای پاتریارکی دیگری را بررسی نمی‌کند. در حقیقت این مسئله برای همه حوزه‌های خلیفه‌گری کلیساهای پاتریارکی که در مجاورت هم، به ویژه در درون یک کشور به سر می‌برند، مطرح می‌شود. به همین سبب، پس از شورای واتیکان دوم، اسقفان کاتولیک هر کشوری در شورای سلسله مراتب کاتولیکی گرد هم می‌آیند. این ساختار جدید نه‌جانشین شورای مقدس (برای کلیساهای پاتریارکی) و نه‌جانشین کنفرانس اسقفان (برای کلیساهایی که دارای سنت لاتین هستند) می‌شود، بلکه راه حلی عملی و قابل قبول برای پاسخ‌گویی به مسائل در سطح ملی برای کلیساهاست. امیدواریم این شوراها را در آینده به نحوی توسعه دهیم که در تصمیم‌گیری‌ها و در تعیین وضعیت‌های کلیسایی مشترک، نقش موثرتری داشته باشند.

با این حال ضروری است که شورای اسقفان کلیسای پاتریارکی یا مجمع پاتریارک‌ها یا اسقفان یک کشور بتوانند از طریق تصمیمات و توصیه‌هایی در زندگی حوزه‌های خلیفه‌گری و کلیسایی تأثیر بگذارند. در این صورت قوم خدا حقیقتاً رسالت نبوتی، کهناتی و شاهانه خویش را در مشارکت با اسقفان، کشیشان و شماسان زندگی می‌کند. در این شوراها و مجامع همین مسائل ناشی از برخورد خانواده‌ها، حوزه‌های کلیسایی و خلیفه‌گری و سپس مسائل مربوط به روابط میان کلیساهای مختلف کاتولیک بایستی مطرح شوند. در واقع لازم است که به احتیاجات فعلی رسالت در همان سطح زندگی پاسخ داده شود.

با دیگر کلیساهای رسولی که در مشارکت کامل با ما نیستند مورد تجدید نظر قرار دهیم. در اینجا منظور از دیگر کلیساهای رسولی، کلیساهای خاورمیانه است که واقعاً رسولی هستند بدین معنی که در رازهای مقدس و ایمان اساسی به راز کلیسا به عنوان مشارکت سه گانه اقدس همانطور که سنت رسولان به ما منتقل نموده، سهیم می باشند.

این تجدید نظر عمیق را بایستی با وفاداری به سنتی که برای ما مشترک است و امروزه با «دم فیض بخش روح القدس» این قدرت تعجب برانگیز یعنی، «نهضت بین الکللیسایی»^{۳۶} بیان می شود، انجام داد. باز در اینجا بایستی مشاهده نمود مانع اصلی بر سر راه این نهضت به سوی اتحاد کلیساهای درعین کثرت، از ذهنیت فرقه گرای ما سرچشمه می گیرد. فرا خوانده شده ایم تا ذهنیت مان را به طور ریشه ای عوض کنیم: یعنی از فرقه گرایی که رفتارهای ما را الهام می بخشد به تازگی مشارکت روح القدس گذر کنیم. آری «آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساهای چه می گوید.»^{۳۷} قانون طلایی این نهضت بین الکللیسایی عمل کردن «برحسب راستی و در محبت» (افس: ۴: ۱۵) است. بدین سان بدن مسیح تشکیل می گردد و روح القدس تفرقه های موجود در آن را بهبود می بخشد، این موضوع را در نامه بعدی و به طرز قابل فهم تر و عمیق تری بررسی خواهیم نمود.

۳۶- واتیکان دوم، Unitatis Redintegratio شماره ۴.

۳۷- مکاشفه ۲: ۲۹؛ ۳: ۶؛ ۱۳: ۲۲.

فصل چهارم

دیدگاه ها و جهت گیری های شبانی

۴۹- راز ایمان سرچشمه عمل شبانی

برادران و خواهران و فرزندان گرامی، با هم بر جنبه های گوناگون راز کلیسا تعمق نمودیم. راز گنجینه ای نفیس است. به همان اندازه که تعمق می کنیم، به همان اندازه زیبایی و غنای آن را درمی یابیم. در تعمق مان بر یک جنبه از این راز یعنی مشارکت تأکید نمودیم. تأثیرات آن بر فعالیت شبانی ما مهم و زیاد هستند تا حدی که به آن چهره ای جدید می بخشند زیرا تمام فعالیت های ما بسط و برداشتی از نحوه ادراک ما از ایمان در کلیساست.

برادران و خواهران و فرزندان محبوب، شبانان و ایمانداران عام در این بخش آخر نامه می خواهیم توجه شما را به بخش هایی از زندگی شبانی جلب نماییم که امروزه در نور راز مشارکت احتیاج به تجدید و بازنگری دارند. این تجدید نظر شبانی ضرورتی فوری است که به ما اجازه خواهد داد تا با هم برای ساختن آن «الگوی کلیسایی» همکاری نماییم که قادر باشد عطیه مشارکت را که خدا به ما می دهد به واقعیتی قابل زندگی و به اصلی برای فعالیت تبدیل نماید. این عطیه الهی مرجعی دائمی و راهنمایی خواهد بود که ما را روشن ساخته، الهام بخشیده تمامی زمینه های زندگی ما را بارور ساخته و ما را یاری می دهد تا آن را ارزیابی نماییم. در صفحات قبل به صور جسته و گریخته، چند رهنمود شبانی را ذکر نمودیم. در اینجا می خواهیم مهم ترین آنها را تحت سه عنوان گردآوری نماییم: شکل دهی معنای کلیسایی، وسایل تقویت مشارکت و روحانیتی که توسط آن سنت های بسیار و متنوع را می پذیریم.

تفکر می‌تواند باز هم تغییر یابد. عوض شدن طرز تفکر بستگی به کار روح القدس در ما و نیز بستگی به هر یک از ما و همکاری ما با عمل روح القدس در ما دارد. باید راه تنگ تقدس را پیش بگیریم که ما را به سوی حیات هدایت می‌نماید (مت ۷: ۱۳-۱۴). قرار گرفتن در راستی مسیح (۲ قرن ۱۱: ۱۰) ما را از روح این جهان آزاد خواهد کرد: «ای حبیبان هر روح را قبول مکنید بلکه روحها را بیازمائید که از خدا هستند یا نه...» (۱- یوحنا ۴: ۱) و اگر این را با قاطعیت و فروتنی بطلبیم روح راستی به ما خواهد فهماند که نخستین مشخصه ما به عنوان شاگرد مسیح منوط بر بودن توسط او، در او و در یک کلمه «کلیسا بودن» است. هر یک از ما خوانده شده ایم که توبه ای را در جان و روح خود شروع کنیم تا از هر قید و بندی که جامعه و یا طرز فکر فرقه گرا به ما تحمیل می‌نماید آزاد شویم. همه دعوت شده ایم تا توسط نیروی روح که در ما و در کلیسا عمل کند تازه شویم. برکت خدا می‌تواند ما را متحد سازد و محبت متقابل ما نسبت به یکدیگر تنها در مسیر توبه ما را نیرومندتر خواهد ساخت: «آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید» (مکا ۳: ۶).

۵۲- روحیه کلیسائی

کلیسا بودن مستلزم آن است که هر یک از ما با «روحیه ای کلیسائی» که ما را در تمام رفتارهایمان هدایت می‌کند زندگی کنیم. منظور پدران ایمانی ما از این اصطلاح زیبا گرایشهای عادی روحیه مسیحی بوده که به کمک آن «جمله مومنین را یک دل و یک جان بود به حدی که هیچ کس چیزی از اموال خود را از آن خود نمی‌دانست بلکه همه چیز را مشترک می‌داشتند» (اع ۴: ۳۲). «الگویی کلیسائی» که در کتاب اعمال رسولان نزد نخستین جامعه مسیحی می‌یابیم و روح خداوند عیسی می‌خواهد آن را به ما بدهد این گونه است.

به ویژه در زندگی پرستشی و اساساً در مراسم نان و جام است که مربی ما «روحیه کلیسائی» را ایجاد می‌نماید. هنگامی که ایمان خود را اعتراف می‌کنیم می‌گوئیم: «ما ایمان داریم...». هنگامی دعائی را بر زبان می‌آوریم که از

الف) از جامعه فرقه گرا به کلیسا شکل دهی معنای کلیسائی

۵۰- ذهنیت فرقه گرا

اولین تغییری که این تعمق از ما می‌طلبد، تغییر ذهنیت فرقه گرا به سوی کلیسائی حقیقی است. دیدیم کلیسا معجزه ای است که خدا به ما می‌دهد و در آن ما «خلقت تازه» هستیم (ر. ک ۲- قرن ۵: ۱۷). تقریباً در هر مرحله، نور راز کلیسا بر ما آشکار نمود که ما این معجزه را در ظروف خاکی (۲- قرن ۴: ۷) حمل می‌کنیم. در میان بدبختی‌هایی که ما در آنها سرشته شده ایم یکی از آنها، همچون مانع بزرگی بر سر راه درک راز کلیسا و رفتارمان در کلیسا قرار می‌گیرد که همانا ذهنیت فرقه گراست.

بعضی‌ها ممکن است فکر کنند که رها کردن اندیشه جامعه و ذهنیت فرقه گرا یعنی باطل کردن هر آنچه در کلیساهای ما وجود دارد از قبیل: تاریخ، میراث گذشتگان و ویژگیهای خاص آن یا نادیده گرفتن آنها یا رها نمودن حقوق و وظایف کلیساها در جامعه مدنی یا استعفا نمودن از ایفای نقش خود در زمینه‌های مختلف زندگی و اجتماعی، عمومی، اقتصادی، فرهنگی و غیره. این کار نمی‌تواند هدف قرار گیرد زیرا کلیسا واقعیتی است که در زمان و مکان ریشه دوانده است، در سرشت انسانی جسم گرفته و نور و خمیرمایه آن گردیده است. به همین دلیل هدفی که باید به آن رسید حذف تمامی عناصر منفی است که به خاطر ذهنیت فرقه گرا بر واقعیت جسم گرفته ما اضافه شده است، ذهنیتی که با راز کلیسا، آن گونه که خدا آن را در کتب مقدس و در سنت‌های باستانی ما آشکار نمود، بیگانه است.

۵۱- عبور از طرز تفکر فرقه گرایانه امری ممکن است

در تمام طول این نامه سعی کرده ایم تا اثرات این طرز تفکر را در همه سطوح بررسی نمائیم و توجه شما را به آن جلب نموده، فراتر از آن گام برداریم. این طرز

فردی. همه مومنان، خواه از موهبت پیوند زناشوئی برخوردار باشند یا زندگی خود را وقف کرده باشند، در انزوای تجرد یا بیوه گی به سر برند و نیز کسانی که در مقام اسقف، کشیش یا شماس هستند همگی علی رغم سن و سال، بنیه و توانائی های خود از یک روح نوشانیده شده اند و می توانند در رشد بدن مسیح با یکدیگر همکاری نمایند.

تشکل همه به معنی کلیسایی آن و به نحوی که در صفحات گذشته یاد شد امری ضروری است. این تشکل نخست ابتدائی است و باید دائمی شود و این کار باید در گوناگونی عطایا و شرایطی که همه اعضای کلیسایمان در آن زیست می کند انجام یابد. تشکل شامل مردان و زنان، کودکان، جوانان و سالخوردگان است چون مکتب ایمان و محبت محدودیت سنی قائل نیست و به ویژه شامل مردان و زنانی است که مسئولیتی خاص در خدمت اجتماع کلیسایی دارند. به عنوان مثال اسقف به همراه کشیشان و شماسانش، زنان و مردان مذهبی، مومنانی که مسئول نهضت های رسالتی و امور اجتماعی - فرهنگی یا خیریه هستند..

۵۴- تشکل ایمانداران از طریق تعلیم

روح کلیسایی ایجاب می نماید که شبانان و ایمانداران فصل نوینی را در همه زمینه های آموزشی، در دانشگاه های الهیات، مدارس تعلیمات دینی، آموزشگاه های علمی، جزوات تعلیم دینی، در موعظت و در تمام وسائل ارتباطی که در دسترس است ایجاد نمایند. اگر حقیقتاً می خواهیم تحولی در حیات کلیسایی و روابط متقابل ما بوجود آید تازگی بخشیدن به موعظت کلیسایی در هر سطحی که باشد امر لازمی است که نمی توان نادیده گرفت. برای این کار می بایست به منشاء اولیه ایمان خود رجوع کنیم یعنی به عیسی مسیح، به رسولان و پدران ما در ایمان. همچنین باید اسناد شورائی واتیکان دوم و تمام اسناد متعاقب آن را از سر گیریم چرا که آنها منبع مطمئن نوگرایی هستند. در نظر داشته باشیم که تشکل ما در جهت یگانگی و وحدت یکی از شرایط اولیه نوسازی اجتماع در کلیسایمان و در کنار سایر کلیساها است. اگر از اصلاح خود در راز

خداوند یاد گرفته ایم می گوئیم «ای پدر ما...». از ابتدا تا انتهای مراسم پرستشی «ما» به صورت کلیسایی آن به کار می رود که در یکپارچگی مشارکت در تثلیث اقدس خود را بیان می کند. آنچه را در مسیح می ستائیم می بایست بعداً به همان شکل زندگی کنیم و طرز فکر خود را به آن آغشته نمائیم. در چنین مشارکتی جنبه «من» هر کس در دریای بی نام و نشان غرق نشده است بلکه بر عکس راز فردی هیچ یک از ما که به «شبهات خدا» هستیم نمی تواند جز در درون اجتماع یعنی «در شبهات او» کامل شود. و همین مشارکت است که ما را با پدر و تمام فرزندان او در پسر یگانه و محبوب وی متحد می سازد.

«روحیه کلیسایی» بسیار ساده است و توسط روح وعده های سعادت ابدی احیاء می شود (مت ۵: ۱-۱۲) و نیروی خود را از آن دریافت می کند. این روح که مراقب دعا های قلبی است از وسوسه های دروغین انحصار طلبانه پرده بر می دارد و از آن احتراز می جوید، حال این انحصار طلبی به شکل خود محوری شخصی باشد یا به صورت خودخواهی مذهبی. این حس فروتن و صبور است، مذلت خود را می شناسد و از شفقت نجات دهنده آگاه است و بدین ترتیب خود را وابسته به اشتیاق پدرمان برای تمام بشریت می داند. روح کلیسایی آزاد است و عظیم، درست مانند محبت مسیح (افس ۳: ۱۸) و مثل کلیسا. گفتار تشویق آمیزی از پولس رسول به جا مانده که ما را در فهم این محبت یاری می دهد: «پس خوشی را کامل گردانید تا با هم یک فکر کنید و همان محبت نموده یک دل بشوید و یک فکر داشته باشید و هیچ چیز را از راه تعصب و عجب مکنید بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید و هر یک از شما ملاحظه کارهای خود را نکنند بلکه هر کدام کارهای دیگران را نیز» (فی ۲: ۳-۵).

۵۳- تشکیل ایمانداران به مفهوم خاص و معتبر کلیسایی

کلیسا به هر جایی که فرستاده شده مظهر محبت بوده است. او دعوت شده تا شاهد زنده محبت و نیز خادم آن باشد چه به صورت جمعی و چه به صورت

ب) از اتحاد تا مشارکت- وسایل تقویت اتحاد

۵۶- اتحاد و مشارکت

اتحاد عطیه خدا به کلیسایش است. پذیرش این عطیه شراکت فعال و علنی را به دنبال خواهد داشت. در غیر این صورت اتحاد یک تصور ذهنی و یک آرزوی منفی باقی خواهد ماند و کاربرد علنی نخواهد داشت. مشارکت در حیات کلیسا از سویی بیانگر اتحاد است و از سوی دیگر وسیله ای برای رشد آن. امروزه متوجه علاقه شدید افراد به ملاقات با یکدیگر می شویم. این یکی از علائم زمان ها است. این همان اشتیاقی است که از سال ها پیش در بین کلیسایمان شاهد آن بوده ایم. باید این جهت گیری را تشویق کنیم و گسترش دهیم و به صورت اقدامات عملی در آوریم تا از آن واقعیتی ثابت و استوار در حیات کلیسایمان بسازیم.

مشارکت می تواند طبق اعتقادات هر کس در کلیسا و طبق عطیاتی که خداوند به هر یک داده شکل های گوناگونی به خود بگیرد. لزومی ندارد که «دست» «پا» شود یا «چشم»، «گوش». از سوی دیگر پا نمی تواند بگوید چون من دست نیستم پس عضوی از بدن نمی باشم و گوش نیز نمی تواند ادعا کند که چون چشم نیستم پس متعلق به بدن نمی باشد. به همین گونه «چشم دست را نمی تواند گفت که محتاج تو نیستم یا سر پایها را نیز که احتیاج به شما ندارم... و اگر همه یک عضو بودی بدن کجا می بود، اما الان اعضا بسیار است لیکن بدن یک». بالاخره هیچ کس نمی تواند بگوید که من در بدن ضعیف و یا اضافی هستم چون هر یک از اعضا منزلت خویش را دارد و سهم و نقش خود را در بنای بدن ادا می کند (۱- قرن ۱۲: ۱۲-۲۴). با چنین روحیه ای است که همه در اتحاد در حیات کلیسا شرکت می جویند تا بنای آن زیبا و مستحکم باشد.

کلیسا غفلت بورزیم شکایت کردن از دردهای کلیسای محلی مان یا کند بودن حرکت جهانی کار بیهوده ای است.

۵۵- تشکل ایمانداران توسط اعمال

این نوع تشکل نمی تواند تنها به صورت تئوری باقی بماند بلکه می بایست توسط اعمال و اقدامات به دست آید. تنها کافی نیست که موعظت تازگی یابند یا خطوط کلیسایی مطلوب را ترسیم نمائیم بلکه اعضای کلیسا باید بتوانند به طور علنی طبق موعظت و الگوهای ارائه شده زندگی کنند. ما باید برای همه مومنان، گروهها و طبقات سنی موقعیتی ایجاد کنیم تا بتوانند در اجتماعات کوچک تجربه زندگی در کلیسا را کسب کنند، این اجتماعات به هر شکلی که باشند ایشان را آماده می کنند تا در اجتماعات بزرگ کلیسایی شرکت جویند. تعهد عملی در حیات کلیسا و در خدمات آن یک مکتب آموزشی به مفهوم کلیسایی است. هنگامی که دست خود را روی گاوآهن می گذاریم و با برادران و خواهرانمان همکاری می کنیم کم کم به راز کلیسا، شادی تعلق به آن و شرکت در بنای آن پی می بریم.

برای آنکه این تجربه پُرثمر باشد باید آن را در حضور خدا زیست کرد و به طور مستمر در پرتو کلام خدا آن را محک زد به نحوی که بتواند همواره پاکتر شود و رشد کرده هر مانعی را پشت سر بگذارد. ما زمانی مفهوم کلیسا را خواهیم یافت که در آنچه می گوئیم و انجام می دهیم «کلیسای دسته جمعی» شویم. مسلماً تجربیات ما در این زمینه می توانند دستخوش بحران ها و مشکلاتی شوند. اگر این تجربیات را در روح توبه و ندامت و رشد روحانی کسب کنیم همه آنها در برانگیختن مفهوم کلیسایی که ریشه می دواند، رشد می کند و گسترش می یابد شرکت خواهند جست در حالی که با یکدیگر راه را می پیمائیم و با هم کار می کنیم.

* * *

۵۸- شرایط مشارکت

مسئلاً همه مشکلات مشارکت تا زمانی که بر شرایط روحانی مناسب با هدفی که برای نیل به آن خلق شده اند تکیه نداشته باشند ضعیف باقی می ماند. اگر سلوک در «جسم» یعنی در «کینه ها، نفاقها، حسد، خشم، نزاع، شقاقها، بدعت ها، تعصب و چیزهای مشابه آنها» (غلا: ۵: ۲۰) اولویت یابد حس مشارکت از هدف اصلی خود منحرف خواهد شد و بر عکس اگر اعمال روح احياء شوند یعنی «محبت، خوشی، سلامتی، حلم، خدمتگزاری، نیکوئی، اعتماد به دیگران، مهربانی و خویشتن داری» (غلا: ۵: ۲۲) این حس پرمتر خواهد شد و میوه بسیار خواهد آورد. به ویژه منافع شخصی یا گروهی، تعصب، غرور و کینه توزی های شخصی هر گونه جهت گیری به سمت انجام کارها را در وحدت و یکپارچگی تباه می سازند. اما توسط روح بدن، مفهوم دارائی مشترک، بنای مشترک، از خودگذشتگی، گوش دادن به سخن دیگران، صحبت های دو نفره، فروتنی، نیک سرشتی و محبت این حس قوی تر شده تضمین می یابد. اتحاد براساس این دیدگاه و روحانیت به دست می آید.

۵۹- نقش ایمانداران عام در کلیساهایمان

در اینجا می خواهیم نظر شما را به اهمیت رو به رشد نقش ایمانداران عام در کلیسا جلب نمائیم. همان طور که قبلاً گفتیم مجمع واتیکان دوم اهمیت خاصی به این موضوع داده است. مصوبه "Apostolicam Actuositatem" و مدارک بعدی به صورت علائم روشنی بر سر راه نوگرایی کلیسایی در عصر ما باقی می ماند. این روحیه در شرق انعکاسهایی داشته است. در واقع طی چند قرن اخیر شاهد بیداری این گونه ایمانداران بوده ایم. این بیداری باید ادامه یابد و خطوط و محتوای آن در تمام زمینه های حیات کلیسا تأیید شود.

باید بگوئیم که مشارکت این دسته ایمانداران در حیات کلیسا، روحانیت کلیسا و نیز خود ایشان را دعوت به تغییر طرز فکر می نماید البته اگر واقعاً طالب آن باشیم که این جنبه اتحاد در مسیر درست قرار بگیرد و روش زندگی ثابت و

۵۷- اشکال اتحاد

برای آنکه اتحاد زندگی همه ایمانداران را در گوناگونی اعتقادات و خدماتشان فرا گیرد باید تشکیلات مشارکتی در کلیسا به وجود آورد. مجمع واتیکان دوم تعداد زیادی از این شکل ها را مشخص نموده (شورای اسقفان، شورای کشیشان، شورای شبانان و غیره...) همچنین در این نامه شکل هایی را نیز مطابق روحیه تعالیم شرقی خود ذکر کرده ایم.

ما به این اشکال مشارکت در همه سطوح نیازمندیم: به اشخاص (اسقفان، کشیشان، زنان و مردان روحانی و ایمانداران غیر روحانی)، به مکانها (حوزه های کشیشان، شماسان و حوزه های محلی) و به کلیساهای مختلف (محلی یا منطقه ای). این تشکلهای ملاقات افراد را در بطن یک گروه، بین گروههای مختلف و بین همه کلیساهای منطقه تسهیل می بخشد. ملاقاتها باعث شناخت متقابل خواهند شد. شناخت باعث برادری و برادری باعث نظم و همکاری خواهد گردید. بدین ترتیب ما تجربه اتحاد واقعی را کسب خواهیم کرد و این راز را به حقیقتی علنی مبدل خواهیم ساخت.

«بالاخره گردهمایی های حوزه های اسقفی و انجمن های حوزه های کشیشان نیز شایان توجه هستند. اسقف در طول این جلسات نوع به خصوصی از اتحاد را با کشیشان، روحانیون و ایمانداران روحانی به اجرا می گذارد و کلیسایی به خصوص را برای رو به رو شدن در تعمقها، دعاها و انزوی شبانی با مشکلاتی که به خاطر اعتراف ایمان و شهادت محبت در موقعیتهای عینی دنیای امروز بوجود می آید مورد خطاب قرار می دهد.»^{۳۸}

تحولات سریع زمان ما مسلماً ایجاب می کند تعریف سنتی اتحاد کلیسایی را در هر مقطع زمانی با خصوصیات آن دوره انطباق دهیم.

۳۸- پاپ ژان پل دوم، خطاب به کاردینال ها و سازمانهای اداری واتیکان، «اسناد کاتولیک».

ج) از اتحاد تا ارتباط و همکاری - معنویت اتحاد

۶۰- اصالت و گشایش

در فصول گذشته در مورد غنای تعالیم کلیسایی مان صحبت کردیم. امروزه این تعالیم موضوع تحقیق و بررسی هستند و هدف از این کار احیاء و قرار دادن آنها در دسترس ایمانداران است. در اینجا می‌خواهیم از روحانیتی سخن بگوئیم که توسط آن باید با میراث خاص هر کلیسا رفتار نمائیم. می‌توانیم آن را در دو کلمه خلاصه نمائیم: اصالت و گشایش. از سوئی بسیار طبیعی است که هر کلیسا تعالیم خود را به عنوان مرجعی برای تفکر و حیات روحانی تلقی کند. طبیعی است که تلاش کند تا آن را حفظ نموده، احیا کند، گسترش داده منتشر سازد. این نشانه اصالت کلیسا است و کمکی است برای حیات و تکامل آن. همچنین هر کلیسائی حق دارد که به میراث خود ببالد و این موضوع باعث افتخار کلیسای جهانی^{۳۹} نیز هست.

اما همانطور که پیشتر هم گفته‌ایم در تمام اینها طرز فکر فرقه‌گرایانه که انزوا طلبی و دور شدن از دیگران را به وجود می‌آورد می‌تواند نفوذ کند. روح کلیسایی اصیل دعوت به انزوا طلبی نمی‌کند، موانع را بر نمی‌انگیزاند، اختلافات را عمیق‌تر نمی‌نماید، روح تعصب، غرور و رقابت را تقویت نمی‌کند. اصالت در گشودن خود به سوی دیگران و به سوی تمامی غنایی که به ارث برده‌اند نهفته است. سنت‌های بی‌شمار ما به منزله پایه‌ای برای اختلافات نیستند بلکه منشاء اتحاد و در نتیجه همکاری و محبت هستند.

۳۹- واتیکان دوم یادآوری می‌نماید که کلیسای جهانی میراث کلیساهای شرق را ارج می‌نهد و این موضوع را به صورت کلی چنین بیان می‌کند: «تاریخ و تعالیم بی‌شماری صراحتاً ارزشهای متعدد کلیساهای شرق در خدمت کلیسای جهانی شهادت می‌دهند. به همین خاطر است که مجمع نه تنها این میراث کلیسایی و روحانی را ارج می‌نهد و می‌ستاید بلکه آن را قطعاً به عنوان میراث هر کلیسای مسیح به شمار می‌آورد» (واتیکان دوم، کلیساهای شرقی، شماره ۵).

موثری در کلیساهایمان شود. از سوئی روحانیت کلیسا عادت دارد در کارهای شبانی و اداره امور کلیسا، در حوزه‌های شماسان و کشیشان به تنهایی عمل کند. آنها تصویری هرمی شکل در ذهن خود دارند که طبق آن ایمانداران عام در این تصویر به مقوله افراد پست تر تلقی می‌شوند تا یک شرکت کننده و این طرز فکر باید عوض شود. اندیشه‌های الهیاتی مثلاً در زمینه شبانی و زندگی روحانی نیازمند تغییر هستند به نحوی که غیر روحانیون را به عنوان یک عضو کامل کلیسا در نظر بگیرند. از سوی دیگر این دسته ایمانداران نیز به تغییر طرز فکر مشابهی نیازمند هستند. دید آنها نسبت به کلیسا و رفتار ایشان غالباً به نحوی است که خود را متعلق به فرقه مذهبی به خصوصی می‌دانند و چون قومیت آنها متعلق به آن کلیسا بوده پس ایشان هم هستند. گاه به دنبال منافع مادی و انسانی هستند که با راز کلیسا بیگانه است و اینها موانعی هستند بر سر راه مشارکت ایشان در حیات کلیسا به طور زنده و مؤثر و واقعی. این تحولات باعث می‌شود تا روحانیت و اعضای غیر روحانی کلیسا متقابلاً مستعد پذیرش یکدیگر شوند و روابط خود را بر اساس کلمات متناقض «شما و ما» بنا نکنند چنانچه گوئی این دو گروه متعلق به دو مقوله متضاد یا رقیب هستند بلکه بر اساس کلمه «ما همگی» یعنی ما همه اعضای بدن یگانه مسیح، هر یک بر حسب ایمان و رسالت خاص خود در کلیسا. بدین ترتیب باید اعضای غیر روحانی را که تعداد آنها بی‌وقفه رو به رشد است بستائیم. آنها به راز کلیسا پی برده‌اند و رسالت خود را با روح ایمان و تعلق واقعی به بدن مسیح آغاز کرده‌اند. مشارکت اعضای غیر روحانی به ویژه در شوراها و شبانی که مصوبه واتیکان دوم دعوت می‌کند تا در هر حوزه کلیسایی برگزار شود توجیه می‌گردد.

* * *

نخواهد ایستاد. بر عکس میراث فرهنگی به خود شکل می‌گیرد و از تقویت خود توسط آنچه نسل‌های متوالی با خود به ارمغان می‌آورند باز نمی‌ایستد. این امر در مورد آنچه به سنت‌های کلیسایی ما مربوط می‌شود نیز صدق می‌کند. زیرا انجیل در هر مکان، زمان و فرهنگی که باشد شکل می‌یابد. همان‌طور که در گذشته به خود شکل گرفته و سنت‌های اولیه ما را ساخته امروزه نیز به همان صورت در فرهنگ ما به خود شکل می‌گیرد. اگر در حال حاضر این نفوذ متقابل ادامه نیابد نشاط کلیسا متوقف خواهد شد و سنت دیگر به حساب نیامده شکل بردگی به خود خواهد گرفت که زندگی را خفه می‌کند و دیگر به نیازهای آن پاسخ نمی‌دهد و همین یکی از دلایل دور شدن ایمانداران از کلیساهایمان خواهد بود.

آیا کلیساهای شرق از خطری که ایشان را تهدید می‌کند مطلع هستند؟ اگر آنها از بروز دگرگونی در سنت‌هایشان ممانعت کنند، دگرگونی‌هایی که لازمند تا سنت‌ها بتوانند به نیازهای فرهنگی حاضر پاسخ دهد یا اگر از شکل گرفتن این سنت‌ها در واقعیت‌های فرهنگ‌های همیشه در حال تغییر ما جلوگیری به عمل آورند خطری آنها را تهدید می‌کند. آیا کلیساهای ما آگاه هستند که باید همیشه انجیل را مطابق زبان و طرز فکر عصر حاضر اعلام نمایند؟ این سؤال مهمی است که ما از خود و از تمام همکارانمان و همه ایمانداران می‌پرسیم. پاسخ ما این است که انجیل سرور و خداوند ما عیسی مسیح برای همه زمانها و همه مکانهاست. باید آن را در قالب فرهنگ حاضر، در پرتو کلام خدا، سنت‌های گذشته و تعالیم کلیسا شکل داد به نحوی که بین گذشته و حال هیچگونه تضاد و کشمکش رخ ندهد بلکه سنت‌های ما را به کمال رسانده به شکل سودمندی تغییر دهد.

۶۳- شناخت متقابل

تعدد سنتها ما را به سوی تعدد کلیساها سوق می‌دهد که هر یک سازماندهی

۶۱- میراث تمام کلیسا میراث همه ماست

میراث کلیساهای ما با وجود تمام تفاوت‌هایی که با هم دارند و غنای منحصر به فرد هر یک، میراث کلیسای جهانی است و بنا به دلایل مستحکم‌تری میراث همه ما در مشرق زمین نیز هست. این میراث با تمام تعاریف، افکار، روحانیت و آئینهای پرستشی ما را تغذیه می‌کند، احیا کرده رشد می‌دهد. همه کلیساهای گذشته از ریشه‌ای که در میراث خاص گذشته خود دارند دعوت شده‌اند تا از میراث محترم سایر کلیساهای تقویت شوند. به همین علت تمام میراث گذشته شرقی ما علی‌رغم تعدد و تفاوت‌هایشان باید در برنامه‌های آموزش دانشگاه‌های الهیات حضور یابند. این کار به روحانیت کلیسا اجازه می‌دهد تا میراث واحدی را شناخته و خود را به آن قیاس کند و به نزدیک شدن و احترام متقابل کلیساهای کمک خواهد کرد.

ما تنها می‌توانیم تلاشهایی که در این زمینه صورت گرفته، تحقیقات، کنگره‌ها، نشریات و غیره را تشویق نموده عمل آنها را مورد ستایش قرار دهیم.

۶۲- تجسم انجیل در زندگی کنونی

امروزه اگر از میراث‌مان غذایی روحانی فراهم کنیم یا برای ساختن دنیایی که در آن شهادت می‌دهیم و رسالت خود را در آن به انجام می‌رسانیم از آن کمک بگیریم، احیای مجدد این میراث می‌تواند مفهوم یابد. میراث گذشتگان گوشه‌ای از یک موزه نیست که به آن فخر کنیم بلکه بیعانه زنده اندیشه و روحانیت است و تا زمانی که با دنیای معاصر خویش صحبت می‌کنیم فعلیت خویش را حفظ می‌کند. میراث ما خمیرمایه است و باید بتواند به نیازها، نگرانی‌ها، مشکلات و آرزوهای دنیای ما پاسخ دهد.

پویایی و سرزندگی میراث ما با توانایی آن در زیر سؤال بردن انسان امروزه سنجیده می‌شود حال در هر ناحیه از زمینی که خدا خواسته ما در آن قرار بگیریم و در هر شرایط تاریخی که خدا ما را دعوت به زندگی کردن در آن کرده باشد.

میراث فرهنگی هیچ قوم و ملتی منجمد نشده و تکامل آن از حرکت باز

۶۴- ارتباط و همکاری

اتحاد ما را به ایجاد روابط. به مشارکت و همکاری در همه زمینه‌ها دعوت می‌کند. هنگامی که به حقیقت شبانی کلیساهایمان نظر می‌افکنیم متوجه می‌شویم که خیل نظرات مختص ما بی‌آنکه نگران همکاری‌هایمان باشیم خلق شده و استفاده دوگانه دارند و از همین جا است که آگاهانه یا ناخودآگاه پراکندگی نیروی مادی و انسانی پیش می‌آید و تا جایی پیش می‌رود که ما را به سوی مسابقه‌ای بی‌حاصل، رقابت و عداوت سوق می‌دهد. متأسفانه این قبیل رخ دادها در تمام زمینه‌های شبانی مشاهده می‌شوند به عنوان مثال در مکاتب، تعلیمات دینی، اطلاعات، جنبش‌ها، نهادها و همه انواع فعالیت‌ها. در ضمن بسیاری از خدمات به علت فقدان افراد و وسایل فلج شده‌اند در حالی که هر کلیسا از سخاوت، روحیه وقف و انرژی لازم برای پاسخ دادن به نیازهای مختلف پر است.

ما کلیساهایمان را خواه تحت نظارت شماسان باشند یا کشیشان دعوت به همکاری و تبادل تجربیات و افراد به منظور صرفه‌جویی در انرژی، پرسنل و وسایل و نیز به منظور تضمین نتایج بهتر در تمام خدمات می‌نمائیم. بدیهی است که هر گونه همکاری و انتظام باید با رعایت خصوصیات هر کلیسا صورت پذیرد. زیرا نیل به یکپارچگی بدون حفظ هویت و سنت خاص و کلیسا یا ایمانداران، منجر به اغتشاش می‌شود و ایمانداران را دچار فقدان هویت کرده از ریشه بر می‌کند.

همگی ما با هم، با احترام و محبت متقابل نسبت به یکدیگر می‌بایست با تمام مسائلی که برای کلیساهایمان مطرح است و نیز با مبارزات تازه‌ای که کلیساهایمان باید جابگویشان باشند برخورد کنیم و بدین ترتیب اتحاد میان ما تقویت خواهد شد.

خاص خود و مدیریت مستقل و فعالیت‌های شبانی منحصر به خود را دارد. این واقعیت نمی‌تواند ما را به خودمان محدود سازد و ما را در انزوای نگرانی‌های خود و در غفلت نسبت به دیگران نگاه دارد به نحوی که هر کس تنها به عمل خود و به رای خود بیندیشد و «دیگری» به خاطر اینکه «دیگری» است فراموش شود. اگر عمیق‌تر نگاه کنیم مسئله واقعی به «غیر خودی» شمردن بستگی دارد تا به تعدد سنتها یا کلیساهایمان. این وسوسه برای مکاتب کاتولیک، نهضت‌های رسالتی و حتی جماعات مذهبی معروف به «بین‌المذاهب» وجود دارد؛ آنها تعلقات کلیساهای متعدد را با عدم آگاهی اداره می‌کنند و مشکل یکپارچگی آنها را توسط هم شکل ساختن آن حل می‌کنند به عنوان نمونه تعلقات مختلف کلیسایی را به صورت یک تعلق واحد در می‌آورند. عدم آگاهی متقابل در گذشته باعث نفاقهای بسیار شده و ثمره بسیار تلخی به بار آورده، به همین علت امروزه آگاهی نخستین لازمه اتحاد است.

وسایل ارتباطی در این میان نقش به‌سزائی بر عهده دارند. آنها باید مفهوم کلیسایی را در تمام تشکیلات و زمینه‌های شهادتی ما نشان دهند. توسط این وسایل ما تلاش می‌کنیم تا به جای نشان دادن چهره انسانی کلیساهایمان با تمام اختلافات تشکیلاتی و فعلیتهائی که باید اعلام کرد به نشان دادن راز عیسی نجات دهنده و اعلام خبر شادی بخش او به جهان پردازیم. «زیرا عزیمت نکردم که چیزی در میان شما داشته باشم جز عیسی مسیح و او را مصلوب» (۱-قر ۲: ۲). ما یک انتخاب بیشتر نداریم: «هیچ چیز را به شناخت و محبت مسیح، خداوند و سر کلیسا ترجیح ندهیم»^{۴۰}. قدیس ایگناتیوس که یکی از نخستین شاهدان شکل‌گیری سنتهای کلیسایی است خاطر نشان می‌سازد: «سند معتبر من عیسی مسیح است، مدرک تخطی ناپذیر من صلیب، مرگ، قیام و ایمانی است که از او است»^{۴۱}.

۴۰- «آنتوان می‌گفت هیچ چیز را در دنیا به محبت مسیح ترجیح ندهید». (آناناسیوس اسکندریه، زندگی آنتوان).

۴۱- ایگناتیوس انطاکیه، نامه به اهالی فیلادلفیه.

استفانوس دوم غطاس، پاتریارک اسکندریه برای قبطی‌های کاتولیک
ماگزیموس پنجم حکیم، پاتریارک انطاکیه و تمام شرق و اسکندریه و اورشلیم
برای ملکیت‌های کاتولیک یونانی
ایگناتیوس آنتوان دوم حایک، پاتریارک انطاکیه برای سریانی‌های کاتولیک
نصراله پطرس صفیر، پاتریارک انطاکیه برای مارونی‌ها
رافائیل اول بیداوید، پاتریارک بابل برای کلدانی‌ها
یوحنا پطرس هیجدهم کاسپاریان، پاتریارک قیلیقیه برای ارمنی‌های کاتولیک
میشل صبح، پاتریارک اورشلیم برای لاتینی‌ها

عید میلاد ۱۹۹۶

شورای پاتریارک‌های کاتولیک شرق